

کسب و کار از منظر اسلام

جزوه درس اخلاق و احکام کسب و کار

محمد جواد دانیالی

۳ جایگاه کسب و تجارت در اسلام.....	۱
۴ مذمت بیکاری	۱,۱
۵ اهمیت تجارت حتی برای غیرنیازمند	۱,۲
۶ حفظ عزت نفس با خارج شدن صبحگاهان برای طلب روزی	۱,۳
۶ کار و کوشش، مانند جهاد در راه خداست	۱,۴
۶ کار برای کسب مال حلال، عبادت است	۱,۵
۷ کسب حلال موجب شرمندگی نیست	۱,۶
۷ فضیلت کار با دست خویش	۱,۷
۷ کار کردن با دست، شیوه انبیا و اولیاء الله	۱,۸
۸ اقسام و شرایط کلی صحت کسب و کار	۲
۸ اقسام کسب	۲,۱
۹ شرایط کلی کسب	۲,۲
۱۲ آداب کسب و تجارت	۳
۱۲ مستحبات کسب و تجارت	۳,۱
۱۶ مکروهات کسب و تجارت در اسلام	۳,۲
۱۸ محرّمات کسب و تجارت در اسلام	۴
۱۹ نجاسات	۴,۱
۱۹ معامله مضر به حال جامعه یا کمک کننده ظالمان	۴,۲
۲۰ معامله برای انجام کارهای حرام	۴,۳

۲۰.....	۴,۴	اخذ اجرت برای کارهای واجب.....
۲۰.....	۴,۵	ریا.....
۲۷.....	۴,۶	دروغ در کسب و کار.....
۳۱.....	۴,۷	احتکار.....
۳۴.....	۴,۸	رشوه.....
۳۸.....	۴,۹	قمار.....
۴۰.....	۵	احکم متفرقه مربوط به کسب و کار.....
۴۰.....	۵,۱	حقوق معنوی (کپی رایت).....
۴۱.....	۵,۲	رانت اطلاعاتی.....
۴۲.....	۵,۳	بازاریابی شبکه‌های و شرکت های هرمی.....
۴۵.....	۵,۴	استفاده از اموال دولتی و بدهکاری به بیت المال.....

۱ جایگاه کسب و تجارت در اسلام^۱

اسلام برای کارهای تولیدی، به ویژه کشاورزی و دامداری و کارهای توزیعی و کسب و تجارت، اهمیت بسیار قائل است و مردم را از بیکاری و تنبلی و سهل انگاری به شدت نهی کرده است. در قرآن، آیاتی درباره تلاش انسان برای عمران و آبادانی زمین آمده است و گفته شده است که از این طریق انسان طلب روزی از خدا می‌کند:

۱- ... هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ... (هود/۶۱)

اوست که شما را از زمین آفرید، و شما را به آبادی آن گماشته است!

۲- تری الفلک فیہ مواخر لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون * * * فاطر ۱۲. * * *

یعنی در دریاها، کشتیها را روان بینی تا از فضل خدا روزی طلبید؛ باشد که شکر گزار نعمتش باشید.

علاوه بر اینکه انسان از طریق کسب و کار، فضل و رحمت خدا را دریافت می‌کند؛ نوع کسب و کار هر کس یکی از مهمترین عرصه‌های بندگی هر شخص است. نوع کسب و کار یکی از بهترین محک‌ها برای شخصیت هر کس است. حلال بودن یا حرام بودن درآمد انسان، نشان دهنده سعادت‌مند بودن یا شقاوتمند بودن اوست. به همین دلیل طبق روایت پیامبر از ۱۰ جزء بندگی خدا ۹ جزء آن مربوط چگونگی کسب و کار هر کس است:

رسول الله صلی الله علیه و آله: العِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. (میزان الحکمة، ج ۴، ص: ۴۴۴)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عبادت ده جزء دارد، که نه جزء آن طلب [روزی] حلال است.

چند نکته زیر درباره اهمیت تلاش برای حلال کردن روزی از دیدگاه اسلام قابل توجه است:

الف. حلال خوری مرتبط با تبعیت نکردن از گام‌های شیطان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره/۱۶۸)

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست!

۱. بخش زیادی از این جزوه بر گرفته شده است از کتاب اخلاق در بازار «به ضمیمه فتاوی حضرت امام خمینی (قدس سره) در آداب کسب و تجارت» حسن صنعتکار از آدرس زیر:

<http://www.ghadeer.org/Book/2482>

۲. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

ب. حرام خوری انسان را از حق رویگردان و قلب انسان را به روی حقایق الهی قفل می‌گرداند
امام حسین خطاب به کوفیانی که به جنگ حضرت آمده بودند:

وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ ... وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مَلَأْتُ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ. (میزان الحکمه ج ۹ ص ۵۲۴)

من شما را به راه درست دعوت می‌کنم ... اما تمام تان با من مخالفت می‌کنید و هیچ یک به گفته ام گوش نمی‌دهید، چرا که شکم‌هایتان از حرام پر شده است و قلب‌هایتان مهر خورده است.

ج. پاک کردن خوراک انسان را به استجاب دعا نزدیک می‌کند

در روایتی از پیامبر به کسی که گفت دوست دارم دعایم مستجاب شود آمده که فرمود: خوراکت را پاکیزه گردان و در شکمت حرام وارد نکن.^۱

امام صادق (ع) فرمودند:

هر که بخواهد دعایش مورد اجابت قرار گیرد، کسب خود را باید پاک و طاهر گرداند.^۲

در روایتی گفته اند که نزد امام صادق نشسته بودیم که علاء بن کامل آمد و جلو امام نشست و گفت در دعایت از خدا برای من طلب روزی کن. حضرت فرمود دعا نمی‌کنم برو و همانطور که خدا به تو امر کرده است طلب روزی کن.

د. ترک حرام در کسب بالاتر از تمام مستحبات

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

ترک یک لقمه حرام نزد خداوند متعال محبوبتر است از دو هزار رکعت نماز مستحبی. و یک دانه حرام را رد کردن نزد خدای تعالی برابر است با هفتاد حج پسندیده و مقبول.^۴

۱.۱ مذمت بیکاری

امام باقر (ع)، انسان بیکار را به مردار تشبیه کرده و او را مبعوض ترین افراد نزد خداوند می‌داند. آن حضرت فرموده است: ابغض الخلق الى الله جيفة بالليل و بطل بالنهار.

۱. عنه صلى الله عليه وآله - لِمَنْ قَالَ لَهُ: أَحِبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي -: طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَلَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ.

۲. من سره ان تستجاب دعوته فليطيب مكسبه * وسائل، ج ۴، باب دعا.***

۳. كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذْ أَقْبَلَ الْعَلَاءُ بْنُ كَامِلٍ فَجَلَسَ قُدَّامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ ادْعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرزُقَنِي فِي دَعَاةٍ فَقَالَ لَأُدْعُو لَكَ أَطْلُبُ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ.

۴. ترك لقمه حرام احب الى الله من الفى ركعة تطوعا و رد دانق حرام يعدل عند الله سبعين حجة مبرورة * محجة البيضاء، ج ۲، ص ۳۱۰.

امام صادق (ع)، بیکاری را از جانب شیطان می داند. هنگامی که نزد آن بزرگوار شخصی را نام بردند و گفتند او بیکار است، سه بار فرمود: انه من عمل الشيطان.

از نظر اسلام بدترین فرد کسی است که بتواند کار کند ولی بیکار و سربار جامعه باشد. در احادیث آمده است که:

شر الناس من جعل كله على الناس.

یعنی بدترین مردم کسی است که سربار دیگران باشد.

در قرآن کریم، آیات بسیاری است که به ما می آموزد خداوند، جهان را برای انسان مسخر ساخته و به او نعمت سلامتی و توانایی کار و عقل و بینش و.... عنایت کرده است تا از آنها استفاده کند و به کار و کوشش پردازد.

۱.۲ اهمیت تجارت حتی برای غیر نیازمند

امام صادق (ع) می فرماید: التجارة تزید فی العقل ** وسائل، ج ۱۲، ص ۴. یعنی تجارت، موجب رشد و شکوفایی عقل می گردد. و نیز آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: ترك التجارة ينقص العقل ** تهذیب، ج ۷، ص ۲. ترك داد و ستد از بینش و عقل انسان می کاهد. همچنین از آن حضرت روایت شده است: لا تترك التجارة فان تركها مذهبة العقل ** مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۵.

*** خرید و فروش را ترك نگوئید، زیرا ترك آن از بین برنده عقل است.

اسباط بن سالم می گوید: امام صادق (ع) درباره معاذ کرباس فروش پرسیدند. گفته شد که او تجارت را ترك کرده است. فرمود: عمل الشيطان، ان من ترك التجارة ذهب ثلثا عقله، أما علم ان رسول الله صلى الله عليه و آله قدمت غير من الشام فاشترى منها واتجر فربح فيها ما قضى دينه ** تهذیب، ج ۷، ص ۴.***

یعنی رفتاری شیطانی انجام داده است. زیرا هر که داد و ستد را ترك گوید، دو ثلث بینش اجتماعی خود را از دست داده است. آیا نمی داند که رسول خدا (ص) هنگامی که کاروانی از شتران شام رسید، از آنان جنس خرید و با آن داد و ستد نمود و در آن سودی پیدا کرد و قرض خود را ادا نمود.

معاذ عبا فروش می گوید: امام صادق (ع) به من فرمودند: ای معاذ! از کار و کسب و داد و ستد ناتوان شده ای یا بی رغبت گردیده ای؟ گفتیم: نه ناتوان شده ام و نه به آن بی رغبت گردیده ام. حضرت فرمود: پس تو را چه شده است؟ گفتیم: در انتظار دستور شما بودم. زیرا از وقتی که ولید کشته شد، مال بسیاری در اختیارم باقی ماند و از کسی هم دینی نزد من نیست و فکر نمی کنم در طول زندگی خود بتوانم همه آنها را مصرف کنم. حضرت فرمودند: تجارت را ترك مکن که ترك تجارت، از بین برنده عقل است، در مورد خانواده خود، سعی و کوشش کن و مبادا که آنان برای تو تلاش کنند ** تهذیب، ج ۷، ص ۲.***

۱. یا معاذ أضعفت عن التجارة ام زهدت فيها

۲. لا تتركها فان تركها مذهبة للعقل، اسع على عيالك و اياك ان يكونوا هم السعاه عليك.

معاذین کثیر می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم که تصمیم گرفته ام، حال که مال فراوان دارم، دست از کسب و کار بردارم. حضرت فرمودند: در اینصورت نظر و رأی اجتماعی تو بی ارزش خواهد شد و از تو برای هیچ کاری کمک گرفته نخواهد شد.

۱.۳ حفظ عزت نفس با خارج شدن صبحگاهان برای طلب روزی

امام موسی بن جعفر (ع) به یکی از اصحاب خود فرمودند:
اغد الی عزک، اعنی السوق * وسائل، ج ۱۲، ص ۴***.
یعنی صبحگاهان به سوی عزت (کسب) خود حرکت کن، که مقصودم، رفتن به بازار است.
امام صادق (ع) به یکی از نزدیکان خود فرمود: ای بنده خدا! عزت خود را حفظ کن. پرسیده شد: عزت چیست؟ آن حضرت فرمود: یعنی صبحگاهان برای کسب و کار حرکت کن و نفست را (از نیاز به دیگران) گرامی بدار.

۱.۴ کار و کوشش، مانند جهاد در راه خداست

امام صادق (ع) فرمودند:
الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله * کافی، ج ۵، ص ۸۸***.
یعنی تلاش کننده برای اداره خانواده و زندگی، مانند مجاهد در راه خداست.

۱.۵ کار برای کسب مال حلال، عبادت است

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: العبادۃ سبعون جزء افضلها طلب الحلال * وسائل، ج ۱۲، ص ۱۱***.
یعنی عبادت هفتاد جزء است و برترین آنها به دست آوردن مال حلال است.
همچنین آن حضرت فرموده اند:
افضل الاعمال الکسب الحلال * کنز العمال، ج ۴، ص ۸***.
یعنی بهترین اعمال کسب حلال است.
مردی برای رسول خدا (ص) از دوست همسفر خود تعریف می کرد که از او زاهدتر و عابدتر ندیده است. فرمود: چه کسی به او غذا می داد و امورش را انجام می داد؟ عرض کرد: ما برای او انجام می دادیم و غذا درست می کردیم و خرید و شستشو می کردیم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند:
یعنی همه شما از او عابدترید... سپس فرمودند: نیکوترین شما کسی است که سربار مردم نباشد؛ زیرا مورد لعن و نفرین مردم قرار خواهد گرفت.

۱. اذا یسقط رأیک و لا یستعان بک علی شیء * وسائل، ج ۱۲، ص ۷***.

۲. یا عبدالله احفظ عزک. ... غدوک الی سوقک، و اکرامک نفسک * وسائل ج ۱۲ ص ۳ و ۵***.

۳. کلکم اعد منہ... خیرکم من لم یکن کلا علی اناس، ملعون من القی کله علی الناس * وسائل، ج ۱۲، ص ۱۸***.

۱.۶ کسب حلال موجب شرمندگی نیست

امام صادق (ع) فرمودند:

یعنی هر که در کسب روزی شرم نکند، بار زندگی بر او سبک، و خاطر او آسوده، و خوشی و رفاه نصیب خانواده اش می‌گردد.^۱

زرارة می‌گوید: مردی به محضر امام صادق (ع) رسید و گفت: در حالی که فردی محروم و نیازمند هستم، اما خوش ندارم با دست خود کار کرده یا به تجارت بپردازم. حال چکار کنم؟ امام علی (ع) به او فرمودند:

کار کن، گرچه باربری باشد، تا از مردم بی‌نیاز شوی.^۲

رسول خدا (ص) فرمودند:

کاری که نوعی پستی (ظاهری) دارد، بهتر از درخواست از مردم است.^۳

۱.۷ فضیلت کار با دست خویش

رسول گرامی اسلام فرمودند:

من اکل من کد یده نظر الله الیه بالرحمة ثم لا یعذبه ابدأ* مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۷***.

یعنی هر که از دسترنج خویش خورد، خداوند نظر رحمت به او کند و هیچگاه عذاب نخواهد شد.

همچنین آن حضرت فرمودند:

من اکل من کده یکون یوم القیامة فی عداد الانبیاء و يأخذ ثواب الانبیاء* همان مدرک***.

یعنی هر که از دسترنج خویش خورد، روز رستاخیز در کنار انبیا باشد و از ثواب آنان برخوردار خواهد شد.

از رسول خدا (ص) پرسیده شد: کدام کسب و پیشه ای پاکیزه تر است؟ فرمود: عمل الرجل بیده و کل بیع مبرور* همان

مدرک***. پیشه ای که با دست باشد و نیز هر خرید و فروش مشروع. و فرمودند: من اکل من کد یده مر علی الصراط کالبرق

الخاطف. آنکه از دسترنج خویش خورد، در قیامت از پل صراط مانند برق جهنده (سریع) خواهد گذشت. و در حدیثی دیگر

فرمودند: من اکل من کد یده حلالا فتح له ابواب الجنة یدخل من ایها شاء* همان مدرک***. آنکه از دسترنج خویش، مال

حلال خورد، درهای بهشت به روی او باز شود، و از هر دری که بخواهد، وارد خواهد شد.

۱.۸ کار کردن با دست، شیوه انبیا و اولیاء الله

امام صادق (ع) از امیرمؤمنان علی (ع) نقل می‌کند: خداوند به حضرت داود وحی کرد تو بهترین بنده هستی، تنها (ایراد) تو

آن است که از بیت المال استفاده می‌کنی، و با دست خود فعالیتی نداری. پس حضرت داود، چهل صبح گریان بود تا خدا به

۱. من لم یستح من طلب المعاش خفت مؤننه ورخی باله و نعم عیاله* بحار، ج ۱۰۳، ص ۷***.

۲. اعمل فاحمل علی رأسک و استغن عن الناس* وسائل، ج ۱۲، ص ۲۲***.

۳. مکسبه فیها بعض الدناءة خیر من مسأله الناس* کنز العمال، ج ۴، ص ۱۲۲***.

آهن وحی کرد که برای بنده ام داود نرم شو. سپس هر روز لباس زره می ساخت و آن را به هزار درهم می فروخت ... و از بیت المال بی نیاز گردید.

امام صادق (ع) فرمودند:

ان امیر المؤمنین علیه السلام اعتق الف مملوک من کدیده ** وسائل، ج ۱۲، ص ۲۲.***

امیر مؤمنان علی (ع) هزار برده را از دسترنج خویش خرید و آزاد کرد.

فضل بن ابی قره می گوید: در حالی بر امام صادق (ع) وارد شدیم که در باغ، مشغول کار بود. گفتیم: فدایت شویم، اجازه بفرمایید ما کار کنیم یا پیشکاران شما کار کنند و شما آسوده باشید؟ آن حضرت فرمودند: خیر، دست از من بردارید؛ میل دارم خداوند مرا در حالی که به کار و تلاش با دستهای خود در راه کسب حلال و خستگی تن هستم، ببیند** من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۹.***

پاکترین درآمد، از دسترنج خویش است و هر آنچه را بر خود و خانواده و فرزندان و خدمتکارانش خرج کند، اجر صدقه را دارد.

علی (ع) جهت اداره زندگی در خانه، هیزم کنی و آبیاری و نظافت را به عهده گرفته بود و فاطمه (س)، آرد می کرد و خمیر می ساخت و نان می پخت.

آنچه گفته شد، برای توجه دادن به این نکته بود تلاش و زحمت برای کسب روزی حلال نه تنها مذموم نیست بلکه بسیار پسندیده و مورد رضایت الهی است.

۲ اقسام و شرایط کلی صحت کسب و کار

۲.۱ اقسام کسب

کسب و تجارت از نظر فقه اسلامی به پنج نوع تقسیم می شود.

۱- واجب:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ دَاوُدَ ع أَنَّكَ نَعِمَ الْعَبْدُ لَوْ لَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا قَالَ فَبَكَى دَاوُدُ عَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ الْحَدِيدَ أَنْ لَنْ لِعَبْدِي دَاوُدَ فَالآنَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ الْحَدِيدَ فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعًا فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةً وَ سِتِّينَ دِرْعًا فَبَاعَهَا بِثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتِّينَ أَلْفًا وَ اسْتَعْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ. تهذيب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۶، ص: ۳۲۶

۲. ما کسب الرجل کسبا اطیب من عمل یده و ما انفق الرجل علی نفسه و اهله و ولده و خادمه فهو صدقة** کنزالمال، ج ۴، ص ۹.***

۳. کان امیر المؤمنین علیه السلام یحتطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمة تطحن و تعجن و تخبز** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۹.***

مانند تجارتي که برای مخارج خود و خانواده واجب النفقه انجام می گیرد، یا آنجا که ترک آن خطری برای اقتصاد مسلمانان باشد.

۲- مستحب:

مانند تجارتي که برای خانواده و جامعه مفید باشد.

۳- مکروه:

مانند صرافي و کفن فروشي و ذبح حيوانات در صورتی که شغل دائم باشد.

۴- مباح:

مانند معاملاتی که نه موجب زیان فرد و جامعه است نه مورد احتیاج مردم.

(که امروزه از این قبیل کسبها به خاطر فرار از کار، در جامعه ما زیاد است).

۵- حرام:

مانند خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، ربا، اشتغال در امور مستهجن و آنچه را موجب ضعف یا سقوط اسلام و مسلمین شود.

۲.۲ شرایط کلی کسب

در قرآن دو شرط کلی برای معاملات و کسب و کار بیان شده است:

۱. معامله به رضایت طرفین باشد. مثلاً کلاهبرداری یا غش در معامله یا غبن در کار نباشد. چنانکه خداوند در جای دیگر می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ** (نساء/۲۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد. بنابراین شرط دوم معامله از نگاه قرآن رضایت دو طرف معامله است. همین جا شرط رعایت قسط و عدل و انصاف نیز مندرج است. در برخی آیات قرآن بر رعایت میزان و ترازوی مستقیم در انجام معامله تأکید شده است.

۲. در آمد و کسب و کار به باطل نباشد: **وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْءُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ** (بقره/۱۸۸) (و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)!) در روایتی نقل شده است که قریش با اموال و اهلشان قمار می کردند پس خدا با این آیه آنها را از این کار نهی کرد. بنابراین مقصود از مصرف باطل اموال مواردی از جمله قمار، رشوه و رباست که هرچند ممکن است دو طرف راضی باشند اما حرام و باطل است.

با توجه به این دو شرط کلی قرآن و دیگر شرایط جزئی فقه در قانون مدنی که مطابق با احکام فقهی نوشته شده است چهار شرط کلی برای صحت معامله آمده است:

ماده ۱۹۰ - برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است.

(۱) قصد طرفین و رضای آنها.

(۲) اهلیت طرفین.

(۳) موضوع معین که مورد معامله باشد.

(۴) مشروعیت جهت معامله.

۲.۲.۱ قصد طرفین و رضای آنها

مبادله و خرید و فروش طی پیمان و قراردادی دوجانبه، میان خریدار و فروشنده انجام می‌گیرد که حاکی از موافقت و رضایت طرفین است. این پیمان ممکن است با لفظ، و یا به صورت داد و ستد عملی (معاطات) انجام گیرد به این صورت که فروشنده جنس را به مشتری به قصد فروش بدهد و مشتری هم با پرداخت پول، قبول خود را اعلام نماید؛ و در مواردی که اجرای عقد بیع یا لفظ و یا یاد و ستد عملی (معاطات) ممکن نشد می‌توانند به نوشتن اکتفا کنند و این عقد و پیمان از نظر شرع لازم الاجرا است. قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» ای اهل ایمان! نسبت به قراردادهای خود وفادار باشید.^۱

در قانون مدنی می‌گوید:

ماده ۱۹۹ - رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست.

ماده ۲۰۲ - اکراه با اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه‌آمیز سن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود.

ماده ۲۰۶ - اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود.

۲.۲.۲ اهلیت طرفین

ماده ۲۱۱ - برای این که متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند.

ماده ۲۱۲ - معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند بواسطه عدم اهلیت باطل است.

ماده ۲۱۳ - معامله محجورین نافذ نیست.

۱. رساله نوین امام خمینی، عبدالکریم بی آزار شیرازی ج ۲ ص ۲۳۸

۲. ماده ۱۲۰۸ - غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد.

۲.۲.۳ موضوع معین که مورد معامله باشد

ماده ۲۱۴ - مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را می کنند.

ماده ۲۱۵ - مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلانی مشروع باشد.

ماده ۲۱۶ - مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.

رسالة توضیح المسائل امام خمینی ص ۳۱۷

مساله ۲۰۹۰- جنسی که می فروشند و چیزی که عوض آن می گیرند ... [چند] شرط دارد:

اول: آن که مقدار آن با وزن یا پیمانہ یا شماره و مانند اینها معلوم باشد.

دوم: آن که بتوانند آن را تحویل دهند، بنابراین فروختن اسبی که فرار کرده صحیح نیست، ...

سوم: خصوصیتی را که در جنس و عوض هست و بواسطه آنها میل مردم به معامله فرق می کند معین نماید.

چهارم: کسی در جنس، یا در عوض آن حقی نداشته باشد، پس مالی را که انسان پیش کسی گرو گذاشته، بدون اجازه او

نمی تواند بفروشد ...

۲.۲.۴ مشروعیت جهت معامله

مقصود از مشروعیت جهت معامله اینست که مقصود و منظور طرفین از معامله مشروع باشد. مثلاً معامله‌ای که به منظور رشوه

و حکم ناحق انجام شود. این معامله طبق نظر برخی فقها حرام و باطل است و طبق نظر برخی فقط حرام است.

ماده ۲۱۷ - در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الا معامله باطل

است.

طبق این ماده لازم نیست که در همه موارد، جهت معامله مشروع باشد بلکه وقتی این شرط لازم است که جهت، مورد

تصریح قرار گیرد. مثلاً اگر کسی خانه‌ای را برای تأسیس مکان فساد خریداری کند، هرگاه به هنگام معامله تصریح کند که

این خانه را برای آن جهت می‌خرد معامله باطل است، ولی اگر این امر را برای طرف بازگو نکند معامله صحیح خواهد^۱.

۱. شهیدی، مهدی؛ تعهدات، تهران، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۳، چاپ چهارم، ص ۵۷. برگرفته شده از سایت:

۳ آداب کسب و تجارت

۳.۱ مستحبات کسب و تجارت

در کتب روایی، از ائمه معصومین (علیهم السلام)، در آداب و چگونگی داد و ستد، مطالب ارزنده ای نقل شده است که ما گوشه ای از آنها را بیان می کنیم:

۱- مستحب است کسی بین طلوع فجر و طلوع شمس به تجارت نپردازد. زیرا پیامبر اکرم (ص) در این هنگام نهی فرموده است: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن السوم ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس * وسائل ج ۱۲، ص ۲۹۵.***
از طرفی خوابیدن در این موقع کراهت دارد؛ پس بهترین فرصت برای مطالعه و کسب فضایل و معارف اخلاقی در جهت رشد و نورانیت عقل، همین وقت است.

۲- یاد خدا در بازار

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ... (نور/۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند معامله و کسب و کار به شدت برای انسان غفلت از یاد خدا می آورد. به همین دلیل انسان باید مراقب باشد که در این میان مداوم یاد خدا را در ذهن داشته باشد. به عنوان مثال مستحب است انسان در اول وقت نماز، کسب را رها کرده و به نماز برود و کسب کردن در این وقت، کراهت دارد. حسین بن یسار که از اصحاب امام هفتم (ع) بود، از امام درباره آیه فوق سؤال کرد، آن حضرت فرمود: آنان تجار و کسبه ای هستند که تجارتشان باعث غفلت از ذکر و یاد خدا نمی شوند، هرگاه وقت نماز می رسد، می روند تا حق خداوند را بجا آورند.

۳- رعایت مسائل اخلاقی

گاهی مشتری در حال بررسی یک جنس و در حال گفتگو با صاحب جنس است که مشتری دیگری از راه می رسد و همان جنسی را می خواهد که در دست مشتری اول است. در اینجا نباید به مشتری دوم توجه کرد. زیرا از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که:

صاحب السلعة احق بالسوم * وسائل، ج ۱۲، ص ۲۹۵.***

یعنی آنکه جنس را در دست دارد، سزاوارتر است به معامله تا دیگری.

۴- مستحب است صاحب جنس، اجناس خود را به جهت رغبت و جلب نظر مشتریان تزین نکند.

۱. عن الحسين بن یسار عن رجل رفعه فی قول الله عزوجل: رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله قال: هم التجار الذین لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله عزوجل اذا دخل مواقیب الصلاة ادوا الی الله عزوجل حقه فیها * کافی، ج ۵، ص ۱۵۴.***

۵- مستحب است عیوب موجود در جنس را ذکر کردن، چه عیوب ظاهری و چه عیوب پنهانی؛ که این عمل از علائم مؤمن بودن است *** شرح لعمه قسمت آداب تجارت.***.

۶- مستحب است اجتناب کردن از معامله با کسی که مالش را در معصیت خدا مصرف می کند. این عمل در حقیقت گونه ای از نهی از منکر و مبارزه منفی است تا شاید شخص گناهکار از این طریق متنبه و آگاه گردد.
امام صادق (ع) می فرماید:

إذا رأیت الرجل یخرج من ماله فی طاعة الله فاعلم انه اصابه من حلال، و اذا اخرجہ فی معصية الله فاعلم انه اصاب من حرام *** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۹.***.

یعنی وقتی می بینی مردی مالش را در طاعت خداوند خرج می کند، پس بدان که از راه حلال به دست آورده؛ و اگر دیدی در معصیت خدا خرج می کند، بدان که از راه حرام به دست آورده است.

۷- مستحب است رعایت حال مؤمنین شود و هنگام فروش، به حداقل سود بسنده شود.
امام صادق (ع) فرمودند:

ریح المؤمن علی المؤمن ربا الا ان یشتری باکثر من مائة درهم فاریح علیه قوت یومک، او یشتریه للتجارة فاربحوا علیهم و ارفقوا بهم *** وسائل، ج ۱۲، ص ۲۹۳.***.

یعنی سود گرفتن مؤمن از مؤمن صحیح نیست، مگر اینکه بیشتر از صد درهم بخرد که می تواند مخارج روزانه را روی آن قرار دهد، یا برای تجارت بخرد که در اینجا با رعایت حال، سود گرفتن مانعی ندارد.

توضیح آنکه کلمه ربا در روایت فوق، آن ربای اصطلاحی و حرام نیست؛ بلکه به معنی لغوی آن (زیاده است). شاید نظر روایت بر این باشد که اخلاقاً صحیح نیست که در هر معامله ای - ولو کوچک - سود گرفته شود، مگر اینکه انسان خرده فروشی داشته باشد.

۸- مستحب است نسبت به همه مشتریها و معامله کنندگان رعایت انصاف و عدل را نموده و به یک نظر نگاه کند و تفاوتی بین افراد قائل نشود

۹- مستحب است انسان در خرید و فروش، مدح از کالای خود و مذمت از جنس دیگری نکند *** شهید در شرح لمعه، باب آداب تجارت.***. مثل اینکه به خریدار بگوید: مانند این جنس در بازار پیدا نمی شود و آن قدر دوام دارد که هیچ کالایی به مانند آن نیست. بلکه باید مشتری را آزاد گذاشت تا به دلخواه خود معامله کند که اگر احیاناً در جای دیگر مشابه آن را به قیمت ارزانتر دید، یا در روزهای بعد آن جنس در بازار فراوان شد، خود را ناراحت و فروشنده را متهم به تدلیس نکند.
امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده است:

من باع او اشتری فلیحفظ خمس خصال و الا فلا یشترین و لا یبیعن: الرباء و الحلف و کتمان العیب و الحمد اذا باع و الذم اذا اشتری.

یعنی کسی که معامله می کند، باید از پنج خصلت خودداری کند؛ و گرنه معامله نکند: ۱- ربا ۲- قسم خوردن ۳- پوشانیدن عیب ۴- تعریف در موقع فروختن ۵- مذمت در موقع خریدن.

۱۰- مستحب است اقاله نادم. یعنی پس از اینکه معامله ای واقع شد، خریدار یا فروشنده در صورتی که متوجه شد که این معامله به نفع او نبوده، یا فعلاً به کارش نمی خورد، اگر پیشنهاد فسخ معامله را کرد از او قبول کند معامله را برگرداند. البته این در صورتی است که از هم جدا شده باشند و حق خیار و شرطی نگذاشته باشند؛ وگرنه در این صورت نیازی به اقاله نیست و با حق خیاری که مشتری یا فروشنده دارد، معامله را فسخ می کند و بر دیگری لازم است که بپذیرد.

امام صادق (ع) فرمودند:

ایما عبد مسلم اقال مسلما فی بیع اقال الله عشرته یوم القیامة** کافى، ج ۵، ص ۱۵۳.

یعنی هر مسلمانی که عقد معامله واقع بین خود و مسلمان دیگر را اقاله و فسخ نماید، خداوند متعال روز قیامت از لغزشها و اشتباهاتش در می گذرد.

۱۱- مستحب است معاملات نسبه ای در محلی ثبت گردد.

درسی از قرآن در تنظیم اسناد تجاری

قرآن برای امور تجاری و اقتصادی مقررات دقیقی بیان داشته تا مردم مسلمان با هم نزاع و اختلافی نداشته باشند. در سوره بقره، آیه ۲۸۲، که طولانی ترین آیه قرآن است، خطاب به معامله گران دستوراتی بیان شده که در ذیل خواهد آمد. در این آیه می خوانیم:

یا ایها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمى فاکتبهوه.

بنابراین:

۱- هرگاه شخصی به دیگری قرض داد، و یا معامله ای انجام داد و یکی از طرفین بدهکار شد، برای آنکه هیچ گونه اختلافی پیدا نشود، باید عقد قرارداد، با تمام خصوصیات آن نوشته شود.

۲- باید مدت در معاملات غیر نقدی معلوم باشد. الی اجل مسمى .

۳- برای اینکه اطمینان حاصل شود و قرارداد از مداخلات احتمالی طرفین سالم بماند، باید نویسنده شخصی سومی باشد. ولیکتب بینکم کاتب .

۴- کاتب باید در نوشتن قرارداد حق را در نظر بگیرد و عین واقع را بنویسد. بالعدل.

۵- نویسنده و تنظیم کننده سند که از احکام و شرایط معامله اطلاع دارد، به پاس این موهبتی که خدا به او داده، نباید از نوشتن قرارداد شانه خالی کند؛ بلکه باید طرفین معامله را در این امر کمک کند. و لا یأب کاتب ان یکتب کما علمه الله.

۶- امضای اصلی در اسناد، امضای بدهکار است. از این جهت قرارداد باید به اعتراف و املاى او انجام گیرد. فلیکتب و لیملل الذی علیه الحق.

۷- بدهکار به هنگام املاء کردن، باید خدا را در نظر بگیرد و چیزی را فرو گذار نکند و همه را بگوید تا بنویسند. ولیتق الله ربه و لا یبخس منه شیئا.

۸- اگر بدهکار سفیه بود، یعنی کسی که کوتاه فکر یا کم عقل و مجنون بود و یا ضعیف، یعنی کسی که نمی تواند امور مالی خود را سروسامان بخشد و ضرر و نفع خویش را تشخیص دهد، یا به هر دلیل دیگری که نتواند املاء کند ولی او آن قرارداد را املاء کند و تنظیم کننده سند بنویسد. فان كان الذی علیه الحق سفیها او ضعيفا او لا یستطیع ان یمل هو فلیمل ولیه.

۹- ولی نیز باید در املاء و اعتراف به بدهی، عدالت و منافع کسی را که سرپرست اوست در نظر گرفته و از انحراف از حق دوری جوید. بالعدل.

۱۰- علاوه بر نوشتن، باید طرفین در قرارداد خود دو شاهد هم بگیرند. و استشهدوا شهیدین.

۱۱ و ۱۲- این دو شاهد باید بالغ و مسلمان باشند.

۱۳- یک مرد و دو زن می توانند شاهد قرار گیرند. فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان.

۱۴- شهود باید مورد اطمینان باشند: ممن ترضون من الشهداء.

۱۵- در صورتی که شهود مرکب از دو مرد باشند، هر کدام می توانند مستقلاً شهادت بدهند؛ اما در صورتی که یک مرد و دو زن باشند، باید آن دو زن به اتفاق یکدیگر اداء شهادت کنند تا اگر یکی اشتباهی کرد، نفر دوم یادآوری نماید: ان تضل احدیهما فتذکر احدیهما الاخری.

۱۶- هرگاه شهود را به مجلس و یا دادگاهی خواستند، از رفتن خودداری نکنند. و لا یأب الشهداء اذا ماعوا.

۱۷- بدهی کم باشد یا زیاد، باید آن را نوشت. از آنجا که اسلام نمی خواهد در روابط اقتصادی هیچگونه نزاعی رخ دهد، خاطر نشان ساخته که این طور نباشد که در قراردادهای جزئی به خاطر کمی آن، از نوشتن سند کوتاهی شود. و لا تسموا ان تکتبوه صغیرا او کبیراً الی اجله.

در اینجا قرآن اشاره به فلسفه احکام فوق کرده و می گوید: تنظیم اسناد و دقت در آن از یک سو ضامن اجرای عدالت، و از سوی دیگر، موجب تقویت و اطمینان شهود به هنگام ادای شهادت، و از طرف سوم مانع ایجاد بدینی در میان افراد اجتماع می گردد. ذلکم اقسط عندالله و اقوم للشهادة و ادنی الا ترتابوا.

۱۸- در صورتی که معامله، کاملاً نقدی باشد، نوشتن قرارداد لازم نیست؛ الا ان تكون تجارة حاضرة تدیرونها بینکم فلیس علیکم جناح الا تکتبواها.

۱۹- در معامله نقدی، گرچه تنظیم سند و نوشتن لازم نیست، ولی باید شاهد گرفت. و اشهدوا اذا تبايعتم.

۲۰- در آخرین حکمی که در آیه ذکر شده، می فرماید هیچگاه نباید نویسنده سند و همچنین شهود به خاطر رعایت حق و عدالت، مورد آزار و اذیت قرار گیرند. و لا یضار کاتب و لا شهید. سپس می فرماید: اگر کسی شهود یا کاتبان سند را به خاطر حقوقی آزار دهد، مرتکب فسق شده و از راه و رسم بندگی خارج شده است. و ان تفعلوا فانه فسوق بکم.

۱. درباره اینکه چرا شهادت دو زن معادل یک مرد شمرده شده است دو نکته قابل توجه است: ۱. شهادت یک حق نیست که زنان از آن محروم شده باشند بلکه یک تکلیف است و تکلیف زنان آسان تر گرفته شده است. ۲. چون زن یک موجود عاطفی است و احيانا ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد، لذا یک نفر دیگر به او ضمیمه شده تا از تحت تأثیر قرار گرفتن او جلوگیری شود.

در پایان آیه بعد از ذکر آن همه احکام، مردم را به تقوا و پرهیزکاری و امتثال او امر خداوند دعوت می کند. و اتقوا الله. و سپس یادآوری می کند که خداوند آنچه مورد نیاز شما در زندگی مادی و معنوی است، به شما تعلیم می دهد. و يعلمکم الله. و او از همه مصالح و مفاسد آگاه است و آنچه خیر و صلاح است، برای آنها بیان کرده است. والله بكل شی علمیم.

تذکر:

اگر کسی برای فروختن اجناس خود در بازار، جایی را در نظر بگیرد که از نظر قانون بی اشکال است و در آنجا معامله کند، حق او نسبت به این مکان تا شب بیشتر نیست. پس اگر تمام اجناس خود را جمع کرد و رفت و روز دیگر یا پس از چند روز آمد و دید دیگری به جای او ایستاده، حق ندارد بگوید این محل، جایگاه من است. زیرا در روایت آمده که حق در چنین مکانی همانند حق در مسجد است. بنابراین کسی حق ندارد از او کرایه بگیرد.

از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است:

سوق المسلمین کمسجدهم، فمن سبق الی مکان فهو حق به الی اللیل و کان لا یؤخذ علی بیوت السوق کراء** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۰۰**.

یعنی بازار مسلمین همانند مسجدشان است. پس هر کس مکانی را گرفت، او نسبت به دیگران سزاوارتر است تا هنگام شب، و کسی حق گرفتن کرایه از او را ندارد.

۳.۲ مکروهات کسب و تجارت در اسلام

۱- کراهت دارد انسان صبح زود، اولین نفری باشد که وارد بازار می شود و آخرین نفر هم باشد که از بازار خارج می گردد.
۲- کراهت دارد انسان وارد معامله دیگری شود، در حالی که بین خریدار و فروشنده توافق و رضایت برقرار شده است. مخصوصاً آنجا که شخص دوم، قصد معامله را نداشته باشد و تنها می خواهد بازار گرمی کرده تا مشتری پول زیادتری بپردازد.
از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

لا تناجشوا... الناجش خائن** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۸**.

یعنی هرگز به قصد بالا بردن قیمت کالا وارد معامله کسی نشوید که چنین کاری خیانت است.

۳- کسی که نمی تواند به درستی و به میزان دقیق جنسی را تحویل دهد، نباید وارد آن کار شود. بنابراین اگر کسی در کار باسکول یا کیل کردن و امثال آنها آشنایی کامل ندارد، عهده دار آن نشود. زیرا مسئولیت زیاد و کم بودن اموال مردم بر عهده اش می گردد و مدیون مردم می شود.

میسر می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم:

مردی است که قصد او پرداختن کامل جنسی است، اما در وزن کردن، به درستی وزن نمی کند. حضرت فرمودند، مردمی که در اطراف او هستند چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند: جنس را به طور کامل نمی دهد. حضرت فرمودند: چنین شخصی سزاوار توزین کالا نیست.

۴- کراهت دارد سود بردن از کسی که جنسی را از باب اضطرار و درماندگی می فروشد. مثلاً جنسی را می تواند به هزار تومان بخرد و به هزار تومان بفروشد، به هفتصد تومان بخرد و به هزار تومان بفروشد. علی (ع) می فرماید: برای مردم زمان سختی بیاید که غنی بر خلاف دستور خدا که می فرماید احسان و نیکی کردن بین خود را فراموش نکنید، بخل ورزد. در آن زمان افراد بد بلند مرتبه می گردند و خوبان خوار می شوند و درماندگان و محرومین، وسائل مورد نیاز خود را می فروشند. در حالی که پیامبر اکرام (ص) از معامله با مضطربین و درماندگان نهی فرموده اند.

از این حدیث با دیگر احادیثی که در وسائل الشیعه ذکر شده، استفاده می شود که اولاً باید جامعه مسلمین نیاز اینها را برطرف کنند تا مجبور به فروش وسائل زندگی خود نشوند و ثانیاً اگر قرار شد کسی از آنها جنسی بخرد، به گونه ای نخرد که برای خودش سودی در نظر بگیرد. سود گرفتن در چنین معامله ای مکروه است.

۵- کراهت دارد بعد از اتمام عقد در معامله، خریدار از فروشنده بخواهد که قیمت جنس را پایین آورد.

۶- کراهت دارد سود گرفتن صد در صد در معاملات. برای روشن شدن این مسأله به نقل واقعه ای پرداخته می شود که عبرت انگیز است.

در تاریخ آمده است که عائله و هزینه زندگی امام صادق (ع) زیاد شده بود. امام به فکر افتاد که از طریق کسب و تجارت عایداتی به دست آورد تا جوابگوی مخارج خانه اش باشد. لذا هزار دینار سرمایه فراهم کرد و به شخصی که مصادف نام داشت، فرمود: این هزار دینار را بگیر و آماده مسافرت جهت تجارت به شهر مصر باش. مصادف هم رفت و با آن پول از نوع متاعی که معمولاً به مصر حمل می شد، خرید و با کاروانی از تجار که همه از همان نوع جنس را حمل کرده بودند، به طرف مصر حرکت کرد. همین که نزدیک مصر رسیدند، قافله دیگری از تجار که از مصر خارج شده بود به آنها برخورد کرد و اوضاع و احوال را پرسید. ضمن گفتگو معلوم شد که اخیراً متاعی که مصادف و همراهانش حمل می کنند، به علت کمیابی بازار خوبی دارد. صاحبان کالا از بخت نیک خود بسیار خوشحال شدند. اتفاقاً آن جنس از چیزهایی بود که مورد احتیاج عموم

۱. رجل من نیته الوفاء و هو اذا کال لم یحسن ان یکیل: قال: فما یقول الذین حوله؟ قلت: یقولون: لا یوفی، قال: هذا ممن لا ینبغی له ان یکیل *** من لا یحضر الفقیه، چاپ قدیم، ج ۲، ص ۶۵***.

۲. یأتی علی الناس زمان عضوض یعض الموسر فیه علی ما فی یدیه ولم یؤمر بذلک، قال الله عزوجل: (و لا تنسو الفضل بینکم) تنهد فیه الأشرار و تستدل الاخیار، و ینایع المضطرون و قد نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن بیع المضطربین *** نهج البلاغه، حکم، ص ۴۶۸***.

بود و مردم ناچار بودند به هر قیمت که شده، آن را خریداری کنند. صاحبان کالا بعد از شنیدن این خبر با یکدیگر هم قسم شدند که به سود کمتر از صد در صد نفر شوند.

آنان وارد مصر شدند و دیدند مطلب همان است که اطلاع یافته اند. طبق عهدهی که با هم بسته بودند، بازار سیاه به وجود آوردند و به کمتر از دو برابر نفروختند.

مصادف با هزار دینار سود خالص به مدینه بازگشت. خوشوقت و خوشحال به حضور امام صادق (ع) رفت و دو کیسه که هر کدام هزار دینار داشت، جلو امام گذاشت. امام سؤال کرد اینها چیست؟ گفت: یکی از این دو کیسه سرمایه ای است که شما به من دادید و دیگری که مساوی اصل سرمایه است، سود خالص و صد در صد است که به دست آمده است. امام سؤال کرد چگونه توانسته اید این مقدار سود به دست آورید؟ مصادف قضیه را تعریف کرد. امام فرمود: سبحان الله! شما هم قسم شدید که نفروشید مگر به صد در صد. سپس امام یکی از دو کیسه را برداشت و فرمود: این سرمایه من، و به آنکه سود است، کاری ندارم. آنگاه فرمودند: یا مصادف مجالدة السیوف اهون من طلب الحلال ** فروع کافی، ج ۵، ص ۱۶۱.*** ای مصادف! مبارزه با شمشیر از کسب حلال آسانتر است.

۷- کراهت دارد معامله با کسانی که اموالشان شبهه ناک است ** لمعه شهید، آداب التجارة.***

۸- کراهت دارد قسم خوردن در معامله. از رسول خدا (ص) روایت شده است که آن حضرت می فرماید: ویل لتجار امتی من لا والله و بلی والله ** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۰.*** وای بر تاجرانی که هنگام معامله بگویند به خدا قسم چنین نیست یا بگویند به خدا قسم چنین هست.

۹- کراهت دارد از نو کیسه (کسی که تازه وارد کار شده) قرض گرفتن ** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۰۶.***

۱۰- آنگاه که بازار، کساد است و سودی دریافت نمی شود نباید شکوه کرد. امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می فرماید: زمانی بیاید که مردم از خدای خود شکوه کنند. عرض شد چگونه؟ آن حضرت فرمود: مرد کاسب چنین گوید که امروز سودی نداشتم و آنچه را خوردم از اصل سرمایه بوده است. باید به چنین شخصی گفت وای بر تو، مگر اصل مال را خدا نداده است؟! ^۱

۴ محرمات کسب و تجارت در اسلام

برخی از معاملات و کسب و کارهای حرام عبارتند از:

۱. یأتی علی الناس زمان یشکون فیه ربهم، قلت: و کیف یشکون فیه ربهم؟ قال: یقول الرجل و الله مار بحت شیئا منذ کذا و کذا، و لا آکل و لا اشرب الا من رأس مالی، و یحک و هل اصل مالک و دروته الا من ربک ** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۴۰.***

۴.۱ نجاسات

معامله هر آنچه نجس است مانند میته و خون یا آنچه نجس شده و پاک نمی شود مانند روغن نجس، در صورتی که منفعت حلالی برای آنها وجود داشته باشد اشکال ندارد. اما اگر چیزی در حال نجاست منفعت حلالی ندارد؛ مانند دارویی که نجس شده است در اینصورت معامله آن صحیح نیست.

خرید و فروش شراب (به معنی مطلق مسکر) اگر برای منفعت رایج و متداولش (نوشیدن) معامله شود، حرام و باطل است. اما معامله مسکراتی که به منظور اسکار تولید نمی شود؛ مانند الکل طبی (الکل سفید) و الکل صنعتی، در صورتی - که برای غیر غرض اسکار باشد اشکال ندارد.

در معامله شیئی که نجس شده اگر در جایی که علم یا احتمال قوی به امکان صرف میع متنجس در حرام وجود داشته باشد اعلام نجس بودنش لازم است. در غیر این صورت، اگر فروشنده می داند که مشتری کالا را در حرام صرف نمی کند، اعلام واجب نیست.

۴.۲ معامله مضر به حال جامعه یا کمک کننده ظالمان

در هر حال کمک به ستم ستمکاران هر چند عنوان معامله هم نداشته باشد حرام است. دقت در این مطلب روشن می کند «کمک به ظالم دو فرض دارد:

الف. کمک به ظالم در ظلمی که می کند: هر چیزی - که از نظر عرف، کمک به ظالم محسوب شود، حرام است؛ چه کمک مستقیم باشد، مانند اینکه ظالمی بخواهد فردی را شلاق بزند و کسی به او کمک کند، مثلاً شلاق به دستش دهد، یا این مظلوم را نگه دارد تا او کتک بزند. این کمک مستقیم است؛ چه کمک غیر مستقیم باشد؛ مثل اینکه ظالم در اثنای کار ظالمانه اش، تشنه شود و شما به او آب دهید تا تشنگی اش فرو نشیند و به ظلمش ادامه دهد.

از مصداق های متداول و رایج امروزی، کمک تبلیغاتی است؛ مثل تبلیغ برای کشتن شیعیان. یا مثل اینکه کسی در فکر ترور باشد و دیگری با نقشه کشیدن او را راهنمایی کند. این هم کمک به ظالم است.

همچنین اگر عده ای بخواهند جلوی ظلم را بگیرند و دیگری کار ظالم را توجیه کند؛ مثل فتوا به جواز قتل حضرت سیدالشهداء (ع). همه آنها معونه محسوب می شود؛ چون عرف اینها را کمک به ظلم می داند و مراد از ظالم فقط امیران و حاکمان نیستند.

ب. کمک به ظالم در غیر ظلم

چنان - که بیان شد، مراد از ظالم در قسم اول، مطلق ظالم است. اما در قسم دوم، ظالم به معنای خاص است، نه مطلق ظالم؛ زیرا اگر بگوییم که اعانت این اشخاص حتی در مباحات هم حرام است، نظام معاش به - هم خواهد ریخت؛ چرا که ممکن است از هر کسی در زمانی، ظلمی سرزند. پس مراد از ظالم در این قسم، ظالمی است که پیشه و شیوه کار او ظالمانه است؛

مثل حاکمان جور و عوامل و ایادی آنها. یا سارقان و کسانی که کارشان ظلم است و غیر ظلم از آنها سر نمی‌زند، مگر به ندرت. آنچه حرام است این است که کمک به نحوی باشد که یا مستقیماً به ظلم او کمک کند، یا غیر مستقیم.^۱

۴.۳ معامله برای انجام کارهای حرام^۲

معامله برای انجام کارهای حرام، حرام است. مانند اجاره شخصی برای خوانندگی حرام، جادوگری، احضار و تسخیر جن، فرشتگان و ارواح، کهنات، ...

۴.۴ اخذ اجرت برای کارهای واجب

گرفتن اجرت برای کاری که به طور خاص به کسی واجب است ممنوع می‌باشد. اما گرفتن اجرت برای کارهایی که واجب کفایی است یا واجب نظامی است تا وقتی که به طور خاص بر کسی واجب نشده باشد اشکالی ندارد. گرفتن اجرت برای قضاوت، اقامه نماز جماعت و آموزش واجبات ممنوع است مگر اینکه حقوقی از بیت المال به عنوان ارتزاق برای آن قرار داده شود نه اجرت و یا اینکه برای مقدمات آن اجرت دریافت کند.

۴.۵ ربا^۳

۴.۵.۱ ربا در ادوار گذشته

در چهار هزار سال قبل از میلاد لوحه‌های گلی، به دست رسیده که بر آنها به خط سامری نوشته‌هایی است که نشان می‌دهد آیین وام گرفتن نیز در نزد آنان معمول بوده و کالا یا زر و سیم را به قرض می‌گرفته و در برابر، سودی سالانه از همان جنس بین ۱۵ تا ۳۳ درصد به وام‌دهنده می‌دادند.^۵

۱. رساله آموزشی آیت الله خامنه‌ای

۲. بعضی از عناوین از کتاب رساله نوین امام خمینی گرفته شده است، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ج ۲ ص ۲۳۲-۲۳۵

۳. مطالب این عنوان عمدتاً از سایت ویکی‌فقه گرفته شده است به آدرس:

<http://wikifeqh.ir/D8/B1/D8/A8/D8/A7>

۴. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ربا مراجعه کنید به کتاب «ربا پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا» در آدرس: <http://www.ghadeer.org/Book/898/137294>

۵. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، احمد آرام و همراهان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۱.

در قانون بابلی، این اصل مسلم وجود داشت که هیچ کس حق ندارد پول قرض کند، مگر آنکه خود را کاملاً مسئول بازگرداندن آن به صاحبش بداند. به همین جهت وام‌دهنده می‌توانست در صورت عدم پرداخت وام، بنده یا پسر شخص بدهکار را به‌عنوان گروگان نزد خود نگاه دارد؛ لذا ربا همچون بلایی بود که بر سر صناعت بابل فرود آمد.^۱ در مدینه نیز رباخواری به حدی وجود داشت که افراد زیادی در نتیجه آن صاحب ثروت‌های کلان شده بودند. این رباخواری به یهود اختصاص نداشت؛ نصارا و اعراب هم به آن عادت داشتند.^۲ در مکه که در آن روزگار مرکز تجارت عربستان بود، ربا رواج داشت؛ لذا قبل از ظهور اسلام اشخاصی چون عباس بن عبدالمطلب، عثمان بن عفان و خالد بن ولید به فعالیت‌های ربوی آلوده بودند و در این کار شهرت داشتند.^۳

۴.۵.۲ حرمت ربا در ادیان آسمانی

ربا در همه ادیان آسمانی حرام شده است. در تورات آمده است که اگر مالی را به یکی از بندگانم قرض دادی، مانند رباخواران با او برخورد نکن و از او سود مگیر.^۴ به نقل از آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء «فَبُظْمِ مَنْ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا؛ پس به‌سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه مردم را بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم.» «وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ و به‌سبب ربا گرفتن‌شان، با آنکه از آن نهی شده بودند و به ناروا مال مردم خوردن‌شان و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.» ربا به‌طور مطلق در دین یهود منع شده بود؛ اما براساس آنچه در تورات فعلی آمده، یهودیان ربا را بر خود حرام و بر غیر یهودیان جایز می‌دانند: «به برادر اسرائیلی قرض ربوی مده نه پول و نه چیز دیگر.» در مسیحیت، ربا به‌طور مطلق و قاطع ممنوع شده است. در کتاب عهد جدید آمده است: «هنگامی که قرض می‌دهید، اگر امید نفع و سود داشته باشید، این قرض دادن به هیچ وجه مایه فضیلت نیست. پس کارهای نیک انجام دهید و قرض بدهید اما انتظار سود نداشته باشید.»

۱. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، احمد آرام و همراهان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲. وسایی، میثم، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی و با توجه به روابط اقتصادی معاصر، تهران، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، ۱۳۷۷، ص ۴.

۳. نوری کرمانی، محمدمامیر، موضوع‌شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۵۹.

۴. موسایی، میثم، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی و با توجه به روابط اقتصادی معاصر، تهران، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، ۱۳۷۷، ص ۵.

۴.۵.۳ حرمت ربا در قرآن و روایات اسلامی

قرآن درباره حرمت رباخواری می فرماید:

الذین يأكلون الربا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربا و احل الله البيع و حرم الربا* بقره، آیه ۲۷۵.***

یعنی کسانی که ربا می خورند، چون کسانی بر می خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده و تعادل خود را از دست داده باشد. و این، به کیفر آن است که گفتند: ربا نیز چون معامله است؛ در حالی که خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است. توضیح و تفسیر آیه:

در آیات پیش از این آیه، سخن از انفاق و بذل مال برای حمایت از نیازمندان و رفاه عموم است، اما در این آیه بحث از رباخواری است که ضد انفاق است. گویا مقصود آیه، بیان چگونگی مشی اجتماعی رباخواران در دنیاست. زیرا آنها عملی همچون دیوانگان دارند که فاقد تفکر صحیح اجتماعی است و حتی منافع خود را هم در نظر نمی گیرند. زیرا مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی و نوع دوستی برای آنها مفهومی ندارد، و پرستش ثروت چنان عقل و چشم آنان را کور کرده است که نمی فهمند استثمار کردن طبقات زیر دست و غارت دسترنج آنان، بذر دشمنی را در دلهای آنان به وجود می آورد و در این صورت او هم نخواهد توانست در چنین اجتماعی زندگی راحتی داشته باشد. پس مشی او، مانند مشی دیوانگان است. در روایتی در تفسیر آیه می خوانیم که امام صادق (ع) فرمود:

آكل الربا لا يخرج من الدنيا حتى يتخبطه الشيطان* تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۹۱.***

یعنی رباخوار از دنیا بیرون نمی رود مگر اینکه به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد.

همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: هنگامی که به معراج رفتم، دسته ای را دیدم که به حدی شکم آنان بزرگ بود که هر چه کوشش می کردند برخیزند تا راه روند، ممکن نبود و پی در پی به زمین می خوردند. از جبرائیل سؤال کردم اینها چه کسانی هستند و جرمشان چیست؟ جواب داد اینها رباخواران هستند* تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۹۱.***

در آیه بعد از آیه مورد بحث آمده است که:

يُمَحِّقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِيهِ الصَّدَقَاتِ.

یعنی خداوند، (سود) ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد.

یعنی خداوند افزایش کاذب و ظالمانه ربا را به تدریج ساقط می کند. اما صدقات، اگر چه ظاهراً موجب کاهش مال است، اما افزایش راستین را به همراه دارد. زیرا از آنجا که نفاق در راه خدا محبوب است، خداوند آن را رشد می دهد.

امیرمؤمنان علی (ع) در حدیثی خطاب به اهل بازار می فرماید: ای مردم! نخست مسائل فقهی کسب و تجارت را فرا گیرید و پس از آن به داد و ستد پردازید. سوگند به پروردگار جهان که افتادن در ورطه رباخواری از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صاف پنهانتر است* وسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۲.***

در آیه دیگری در توضیح شدت زشتی ربا می فرماید:

فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله * * * سوره بقره، آیه ۲۷۹. * * *

یعنی پس اگر این عمل را (ربا) ترک نکردید، (معنایش) اعلان جنگ با خدا و رسول اوست.

مرحوم طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان، در ذیل آیه شریفه فوق در سوره بقره از امام صادق (ع) این حدیث را نقل کرده است:

أكل الربا يؤدب بعد البينة فان عاد ادب فان عاد قتل.

یعنی خورنده ربا را بعد از آنکه حجت و آیات الهی بر او تمام گردد و معلوم شود که ربا خوار بوده، دفعه اول باید او را ادب کرد و اگر تکرار کرد، دوباره باید تأدیبش کرد، و برای بار سوم باید او را به قتل رساند.

به امام صادق (ع) اطلاع دادند که مردی رباخوار است. حضرت فرمودند:

لئن امكنتني الله منه لاضرین عنقه.

یعنی اگر خداوند به من قدرت می داد (و حکومتی داشتم) او را گردن می زدم * * * وسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۸. * * *

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند:

درهم الربا اعظم عند الله من سبعین زنية کلها بذات محرم فی بیت الله الحرام.

یعنی یک درهم ربا در نزد خداوند بزرگتر از هفتاد بار زنا با محارم خود در مسجد الحرام است * * * وسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۱. * * *

۴.۵.۴ ربا در فقه

ربا در لغت به معنی «فزونی» است. اما در فقه ربا را این گونه تعریف کرده اند: ربا بیع یا معاوضه یکی از دو عوض همجنس

پیمانهای یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو، یا قرض دادن به شرط زیادی است.^۱

با توجه به تعریف یاد شده، ربا در شرع مقدس دو مصداق دارد: یکی معامله دو کالای همجنس با زیادی در یک طرف و

دیگری قرض دادن به شرط زیادی. از اولی به ربای معاملی و از دومی به ربای قرضی تعبیر می کنند. بنابراین ربا دو قسم است:

ربای معاملی و ربای قرضی.^۲

۴.۵.۴.۱ ربای معاملی

در ربای معاملی شخص (حقیقی یا حقوقی) به شخص دیگر کالایی می دهد و در مقابل مقدار بیشتری از همان کالا از وی

می گیرد. مقدار اضافه شده را ربای معاملی می گویند.

ربای معاملی در اجناس غیر نقدین با دو شرط تحقق می یابد:

۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۳، ص ۳۱۶.

۲. خمینی، روح الله، کتاب البیع (الخمينی)، ج ۲، ص ۴۰۹.

۱: هر دو عوض از یک جنس باشند. معیار همجنس بودن، صدق یک اسم بر هر دو است، مانند گندم مرغوب و نامرغوب که هر دو را گندم می‌گویند.^۱

۲: دو عوض، پیمانهای (مکیل) یا وزنی (موزون) معامله شوند. بنابر مشهور، ربا در معامله اجناس غیر پیمانهای و وزنی مانند اجناسی که با شمارش یا متر و یا مشاهده معامله می‌گردند، جریان ندارد.

۴.۵.۴.۲ ربای قرضی

«ربای قرضی چه در زمانهای گذشته و چه در عصر حاضر، رایج‌ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته است؛ به این صورت که فرد برای تامین نیاز مالی جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری، تقاضای قرض می‌کند و در ضمن عقد قرض متعهد می‌شود آنچه را می‌گیرد، همراه با زیادی برگرداند. در حقیقت ربای قرضی در نوع خاصی از عقد قرض تحقق می‌یابد که در آن "شرط" زیادی شده است.»^۲

در ربای قرضی، روند کار به این شکل است که شخص به شخص دیگر پولی را به صورت قرض می‌دهد که پس از زمان معین آن را به همراه مبلغی اضافی برگرداند. آن مبلغ اضافی که قرض‌دهنده (مُقرض) هنگام دادن وام شرط می‌کند، از قرض‌گیرنده (مقترض) علاوه بر اصل وام دریافت کند، ربای قرضی می‌گویند. در اینکه قرض ربوی کلاً باطل است یا مقدار زیادی آن فقط حرام است اختلاف نظر وجود دارد.^۳ بر قرض‌گیرنده مستحب است بدون اینکه شرط شده باشد بیش از آنچه قرض گرفته پس دهد.

این قسم از ربا شرایط ربای معاملی (معاوضی) را ندارد؛ به همین جهت در ربای قرضی فرقی بین مکیل و موزون و معدود نیست. تنها رکن آن، شرط مقدار اضافی است که شرط شود، به هنگام بازگرداندن، چیزی اضافه بدهد خواه چیز اضافه از همان جنس باشد، یا جنس دیگر یا حتی خدمتی از خدمات باشد.^۴

«هرگونه شرط زیاده در قرض، هرچند ارزش مالی کمی داشته باشد، ربا و حرام است. (منظور شرطی است که در ضمن عقد قرض صورت گرفته یا قرض مبتنی بر آن منعقد شده است.)

برخی از موارد زیادتی عبارت است از:

۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۳۳۸. بنابر مشهور، گندم و جو در حکم ربا یک جنس به شمار می‌روند.

۲. بخش فرهنگی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ربا، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۵.

۳. در استفتائات آیت الله خامنه‌ای آمده است: قرض ربوی از نظر تکلیفی، مطلقاً حرام است هرچند از غیر مسلمان باشد، ولی اگر فردی چنین قرضی را گرفت، اصل قرض صحیح است.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، ربا و بانکداری اسلامی، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۶، ص ۵۰-۴۹.

۱. زیادتی در عین: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه علاوه بر این پول، یک لباس هم برگردانده شود.
 ۲. زیادتی در عمل: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه علاوه بر این پول، یک پارچه هم برای قرض-دهنده [بدوزد] داده شود.
 ۴. زیادتی انتفاع: ۱۰۰ هزار تومان قرض داده شود، به شرط آنکه علاوه بر این پول، قرض گیرنده خانه-اش را به قرض-دهنده اجاره دهد. ...
- چند نکته:

۱. قرض به شرط چیزی، ربا و حرام است. اما چیزی به شرط قرض جایز است. (مثال: الف) این خانه را می‌فروشم، به شرط آنکه به من ۲۰ میلیون قرض بدهی جایز است و ربا نیست. (ب) این خانه را اجاره می‌دهم، به شرط آنکه به من ۲۰ میلیون قرض بدهی جایز است و ربا نیست.
۲. قرض ربوی (قرض به شرط زیادتی) حرام است. ولی باطل نیست و حتی انسان می‌تواند بدون قصد جدی، شرط قرض دهنده را قبول کند و قرض را بگیرد. اما زیادتی را نپردازد.
۳. محاسبه تورم در بازپرداخت قرض با رضایت طرفین جایز است و ربا نیست.
۴. هر شرطی - که نفعی برای قرض دهنده ندارد (اگر چه مصلحت دارد)؛ مثل رهن، ضمانت، کفالت جایز است. مثال: صد هزار تومان قرض می‌دهم، به شرط آنکه گرویی بگذاری یا ضامن بیاوری یا کسی کفیل شود جایز است.^۱

۴.۵.۴.۳ استثنای ربا

از حرمت ربا؛ خواه معاملی یا قرضی، پدر و فرزند؛ زوج و زوجه استثنا شده‌اند و حکم ربا بین آنان جاری نمی‌شود.

۴.۵.۴.۴ دیدگاه‌های روشنفکرانه درباره ربا

تا حدود صد سال پیش، فقیهان اسلام، بین انواع قرض، تفاوتی قائل نبودند و با استناد به آیات و روایات، گرفتن زیاده (بهره) در هر نوع قرضی را ربا و حرام می‌دانستند؛ اما از حدود صد سال پیش، برخی روشنفکران و عالمان اسلامی با استناد به شواهدی بین انواع قرض تفاوت قائل شدند.

عده‌ای گرفتن بهره در قرض‌های مصرفی را ربا و حرام دانستند و گرفتن بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری را جایز. این نظریه ابتدا از سوی برخی اندیشه‌وران اهل سنت مطرح شد، سپس برخی از فقهای اهل تشیع نیز مطرح کردند، اما بین فقهای شیعه عمومیت پیدا نکرد.^۳

۱. رساله آموزشی آیت الله خامنه ای

۲. چون رشیدرضا، شیخ شلتوت، معروف الدوالیبی، مصطفی الزرقا،

۳. موسویان، سیدعباس، ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸، ص ۳۶-۴۰.

۴.۵.۵ تفاوت بیع و ربا

همان گونه که در قرآن بیان شده، منطبق رباخوران این است که بیع (معامله) مانند ربا است.

قرآن در جواب اینها می فرماید:

و احل الله البيع و حرم الربا.

یعنی خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است.

توجه به ماهیت معاملات حلال و ربا تفاوت‌های زیر را برای ربا در مقایسه با معاملات حلال روشن می کند:

۱. ربا سود بدون زیان؛ در معاملات حلال، هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند؛ در حالی که در معاملات ربوی، رباخوار با تضمین‌هایی که می گیرد هیچگاه ضرر نمی کند. به همین دلیل است که مؤسسات ربوی روز بروز وسیعتر و سرمایه دارتر می شوند. اما طرف مقابل آنها تحلیل می رود.

۲. ربا سود بدون زحمت یا خطر؛ در معاملات حلال، طرفین یا با تلاش و زحمت یا با قبول خطر و ریسک سرمایه خود در مسیر تولید و توزیع گام بر می دارند؛ در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی برای جامعه در این زمینه ندارد و فقط به صرف پول‌دار بودن بدون اینکه هیچ زحمتی یا خطری را در مسیر تولید و توزیع تحمل کند کسب درآمد می کند.

۳. ربا سود بدون انگیزه مثبت؛ با شیوع رباخواری، سرمایه‌ها در مسیر ناسالم می افتند و انگیزه‌ها برای تلاش و تولید از بین می‌رود. شیوع ربا باعث می‌شود سرمایه‌داران بدون توجه به نیازهای جامعه فقط به فکر افزایش ثروت خود باشند؛ در حالی که تجارت صحیح، موجب گردش سالم ثروت است. هشام بن حکم از امام صادق (علیه السلام) درباره علت تحریم پرسید؛ اما (علیه السلام) فرمود: اگر ربا حلال بود مردم تجارت و معاملات را که به آن احتیاج دارند، ترک می کردند، پس خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به سوی حلال و از ربا به سوی تجارت و داد و ستد روی آورند.^۱

۴. ربا سود همراه با دشمنی و کینه؛ رباخواری منشأ دشمنی و جنگهای طبقاتی می شود.

۵. ربا سود بر دین نه سود بر سرمایه؛ حرمت ربا بر این اساس است که ماهیت ربا، قرض است و قرض - از آن جهت که قرض است - نمی تواند سود داشته باشد؛ بلکه این سرمایه است که می تواند در هنگام جریان داشتن، سود داشته باشد؛ حال هر نوع جریانی که باشد، بازرگانی یا غیر بازرگانی. یعنی وجود عینی سرمایه که در جریان است، می تواند سود داشته باشد و قاعده طبیعی هم همین است که وقتی وجود عینی سرمایه در جریان باشد سودآور است، و ملک هر کسی باشد، سود آن متعلق به اوست.

در مضاربه، سرمایه از ملک صاحب سرمایه خارج نمی شود و ملک اوست و در جریان است، اگر سود دارد، در سود او سهم است و اگر هم زیان دارد، متوجه اوست و به عامل مربوط نیست. اما طبیعت قرض این است که کسی به دیگری تملیک می کند به ضمان. یعنی مال خود را تملیک به دیگری می کند و عهده او را مدیون خود قرار می دهد. و از همان ساعتی که تملک

۱. عن هشام بن الحكم انه قال: ان الله تعالى قال: ان الله لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات و ما يحتاجون اليه فحرم الله الربا لتنفر الناس من الحرام الى الحلال و الى التجارات من البيع و الشراء (۳۵۴)

کرد، وجود عینی آن مال، ملک اوست و به همین دلیل زبانی که بر این مال وارد می شود بر قرض گیرنده وارد است. و اگر به مقرض (قرض دهنده) بگوید پولی را که به من دادی تلف شد و از بین رفت، قرض دهنده خواهد گفت به من مربوط نیست. مال از من نبوده و من از شما طلبکارم. به همین دلیل که ضمانتش بر عهده مقرض (قرض دهنده) نیست، سود هم - اگر داشته باشد - از مقرض نیست. یعنی از ملک قرض دهنده خارج می شود و در ملک قرض گیرنده وارد می شود.

پس طبیعت قرض، اقتضای عقیم بودن می کند. و اینکه اگر انسان بخواهد قرض بدهد، باید قرض الحسنه باشد. یعنی یا باید انسان قرض ندهد، و یا اگر می دهد، قرض الحسنه باشد. اینکه من هم پولی را به حالت قرض در بیاورم و در ذمه طرف قرار بدهم و از آن پول که وجود عینیش مال من نیست، سود بگیرم، اصلاً از نظر طبیعت حقوقی، کاری است ظالمانه * * ربا، بانک، بیمه، استاد مطهری، ص ۱۰۱. * * *

۴.۶ دروغ در کسب و کار

اصولاً در تعلیمات اسلام به مسأله راستگویی و مبارزه با دروغ فوق العاده اهمیت داده شده است که نمونه های آن را به طور فشرده بیان می کنیم:

الف- دروغ سرچشمه همه گناهان است: در روایات اسلامی، دروغ به عنوان کلید گناهان معرفی شده است. در حدیثی از امام باقر (ع) نقل شده است: خداوند متعال برای شر و بدی قفلهایی قرار داده که کلید آن قفلها شراب است. (چرا که عقل، مانع زشتیها و فسادها است و مشروبات الکلی عقل را از کار می اندازد) سپس اضافه فرمودند: دروغ، از شراب بدتر است.

ب- دروغ سرچشمه نفاق است: چرا که راستگویی یعنی هماهنگی زبان با دل، و دروغ ناهماهنگی این دو است. و نفاق نیز چیزی جز تفاوت ظاهر و باطن نیست.

ج- دروغ از گناهان کبیره است: پیامبر اسلام (ص) فرمود:

الا اخبرکم بما کبر الکبائر الأشراک بالله و عقوق الوالدین و الکذب * * معراج السعادة، ص ۴۴۱. * * *

یعنی آیا بزرگترین گناهان کبیره را به شما نگویم؟ شرک به خدا، نامهربانی با پدر و مادر و سخن دروغ.

د- ناسازگاری دروغ با ایمان: در احادیث متعددی به ناسازگاری دروغ با ایمان اشاره شده است. از جمله در حدیثی آمده است. سئل رسول الله (ص) یكون المؤمن جباناً؟ نعم، قیل و یكون بخيلاً؟ قال نعم، قیل یكون کذاباً؟ قال لا * * ترغیب، ج ۳، ص ۵۹۵. * * *

یعنی از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند آیا مؤمن ممکن است ترسو باشد؟ فرمودند آری؛ سپس پرسیدند ممکن است بخیل باشد؟ فرمودند آری؛ پرسیدند ممکن است دروغگو باشد؟ فرمودند خیر.

۴.۶.۱ انواع دروغ در کسب و کار

دروغ انواع مختلف دارد؛ بیانهای خلاف واقع، دورویی، برخی پنهان کاریها، برخی تعارفات می توانند انواعی از دروغ و کذب باشند. بعضی در کسب و کار دروغ می گویند و چنین فکر می کنند که بدین وسیله سود بیشتری می برند، و با این گمان باطل، خود را آلوده به گناه کرده و مال حلال را تبدیل به حرام می کنند. دروغ در کسب، خود انواعی دارد:

۴.۶.۱.۱ دروغ گفتاری

گاهی دروغ در گفتار است؛ مثل اینکه به دروغ بگویند این جنس را به فلان مقدار خریده ام. چند مساله از رساله توضیح المسائل درباره دروغ گفتاری:^۱

مساله ۲۱۳۷- اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید باید تمام چیزهایی را که بواسطه آنها قیمت مال کم یا زیاد می شود بگوید اگرچه به همان قیمت یا به کمتر از آن بفروشد، مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه.

مساله ۲۱۳۹- اگر قصاب گوشت نر بفروشد و به جای آن، گوشت ماده بدهد معصیت کرده است، پس اگر آن گوشت را معین کرده و گفته این گوشت نر را می فروشم، مشتری می تواند معامله را به هم بزند. و اگر آن را معین نکرده، در صورتی که مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود، قصاب باید گوشت نر به او بدهد.

مساله ۲۱۴۰- اگر مشتری به بزاز بگوید پارچه ای می خواهم که رنگ آن نرود و بزاز پارچه ای به او بفروشد که رنگ آن برود، مشتری می تواند معامله را به هم بزند.

۴.۶.۱.۲ دروغ عملی

گاهی دروغ در عمل و کردار است؛ دروغ عملی به چند صورت اتفاق می افتد:

۱. کم فروشی

آیاتی از قرآن درباره کمفروشی:

اوفوا الکیل و لا تکنونوا من المخسرین. و زنوا بالقسطاس المستقیم. و لا تبخسوا الناس اشیائهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین ** شعراء، آیه ۱۸۱ تا ۱۸۳.***

یعنی آنچه می فروشید، تمام دهید و از کمفروشی کناره بگیرید. اجناس را با میزان صحیح بسنجید و آنچه به مردم می فروشید، از وزن و پیمان کم نگذارید (تمام بدهید) و در زمین به ظلم و فساد برنخیزید.

ویل للمطففین. الذین اذا اکتا لوا علی الناس یتوفون. و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون ** مطففین، آیه ۱ الی ۳.***

وای به حال کمفروشان، آنان که چون به کیل چیزی از مردم می گیرند، تمام بستانند و چون چیزی بفروشند، کم دهند. باید توجه داشت کمفروشی فقط در معامله و تجارت اتفاق نمی افتد بلکه در هر کسب و کاری خطر گرفتار شدن در کمفروشی وجود دارد. هر کسی در مقابل دستمزدی که می گیرد متعهد به انجام کاری است. اگر در تعهد خود کوتاهی کند مرتکب کمفروشی شده است. مثلاً معلمی که برای آموزش حقوق می گیرد اگر در ساعات کاری خود از آموزش دانش آموزان یا دانشجویان کم بگذارد و مشغول امور غیر آموزشی شود کمفروشی کرده است.

۲. غش در معامله؛ غش در معامله، که عبارت است از مخفی کردن عیب چیزی و فروختن آن به اسم صحیح و سالم، مثل مخلوط کردن شیر با آب یا گندم خوب با گندم بد یا روغن با پیه و مانند آن، در صورتی که مشخص نباشد و فروشنده به خریدار نگوید، حرام است و مشتری حق بهم زدن معامله و یا گرفتن تفاوت قیمت را دارد.^۱

رسول خدا (ص) فرمودند: هر کس در خرید و فروش با مسلمانی غش کند، از ما نیست و در روز قیامت با یهود محشور خواهد شد. زیرا یهودیان متقلبترین افراد با مسلمانان هستند* * * وسائل، ج ۱۲، ص ۲۱۰* * *.

در کنز العمال از رسول خدا (ص) آمده است:

لیس منا من غش.

یعنی از ما نیست آنکه به دیگران غش و خیانت کند.

مردی آمد فروش بر امام صادق (ع) وارد شد، حضرت به او فرمود:

ایاک والغش فانه من غش، غش فی ماله فان لم یکن له مال غش فی اهله.

یعنی بر تو باد که از خیانت در معامله دوری کنی. زیرا آنکه تقلب کند، در اموال وی خیانت شود. پس اگر مالی نداشته باشد، در خانواده اش خیانت شود* * * همان مدرک، ص ۲۰۹* * *.

امام محمد باقر (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) در بازار مدینه به گندم فروشی برخورد کرد و به او فرمود: غذای خوبی می بینم. از قیمت آن سؤال کرد. در همین حال از طرف خداوند متعال وحی آمد که ای رسول من دست خود را در درون آن جنس کن. پس حضرتش چنین کرد و در آن گندمهای نامرغوب پیدا شد. به فروشنده آن فرمود: کار تو با مسلمانان، خیانت و غش و فریب است* * * وسائل، ج ۱۲، ص ۲۱۰* * *.

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند:

من باع شیئا فلا یحل له حتی ینبین ما فیه و لا یحل لمن یعلم ذلک ان لا ینبینه.

هر که جنسی را می فروشد، بر او حلال نباشد تا برای خریدار توضیح دهد آنچه را در اوست و حلال نباشد بر کسی که (عیب) آن را بداند و توضیح ندهد.

بنابراین اگر مکان یا زمان باعث تغییر در جنس شود و هویت آن بر مشتری نامعلوم گردد، نباید در آنجا معامله کرد تا مشتری دچار غش نشود.

هشام ابن حکم از امام کاظم (ع) نقل کرده است:

کنت ابيع السابری فی الظلال فمر بی ابوالحسن علیه السلام فقال لی یا هشام ان البیع فی الظل غش و ان الغش لایحل* * * کافی، ج ۵، ص ۲۶۱* * *.

یعنی حضرت در حالی که سواره بود، دید من در سایه لباس می فروشم؛ فرمودند: ای هشام معامله کردن در سایه غش است و غش هم حلال نیست.

۱. رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت ص ۳۱۸

۳. تدلیس در معامله؛ تدلیس یعنی جنسی که بدون صفت ممتازی است، آن را دارای صفت وانمود کردن و خلاف واقع نشان دادن است. مثل اینکه خانه را سفید و رنگ کاری کنند تا مشتری از باطن آن اطلاع پیدا نکند. در ظرف میوه، میوه های درشت را روی آن قرار دادن، کیلومتر اتومبیل را تغییر دادن و... لذا اگر مغازه داری بدانند با روشن کردن مهتابی ها باعث تغییر رنگ در اجناس می شود و مشتری هم به خاطر همان رنگ ظاهری، آن را می خرد، تدلیس و فریب است. البته در همه این موارد، اگر بر مشتری خلاف واقع معلوم شود، حق فسخ معامله را خواهد داشت.

۳. تقلب در امتحان یا هرگونه کسب امتیاز؛ تقلب یکی از موارد دروغ عملی محسوب می شود. گاه تقلب در امتحان برای کسب نمره قبولی یا نمره بالاتر و یا تقلب در کسب مدرکی برای تأیید کسب و کار یا ارائه مدرک دیگری به جای مدرک خود (مانند ارائه دفترچه بیمه دیگری به جای خود) و یا تقلب برای زودتر به مقصد رسیدن و هر مثال دیگری ممکن است اتفاق بیفتد. در تمام این موارد اگر ناحقی حق جلوه داده شود نوعی دروغ عملی محسوب می شود و جایز نیست.

«انجام تقلب مبتنی بر چند کار خلاف است:

۱. تقلب مخالفت با قانون امتحانات است و مخالفت با قانون جایز نیست.

۲. مبتنی بر دروغ است، چون دانش آموز یا دانشجو و... هنگام تحویل برگه آن را به نام خود تحویل می دهد و ظاهراً باید معلومات خودش باشد، در حالی که چنین نیست.

۳. رضایت طرف مقابل نه تنها اعتبار ندارد، بلکه بسا شریک در جرم محسوب شود.

۴. حق شخص دیگری ضایع شده.»

البته اکثر فقها معتقدند: «حرمت تقلب در امتحان، با حکم حقوق دریافتی در آینده رابطه ای ندارد.» یعنی هرچند تقلب در امتحان ورودی به کاری حرام است اما حقوقی که شخص در آینده از همان کار خود دریافت می کند حرام نیست. چراکه حقوق شخص در قبال کاری است که انجام می دهد و ربطی به ورود ناصحیحش در آن کار ندارد. البته اگر تقلبش به حدی^۳

۱. برگرفته از سایت اسلام کوئست: <http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa1411>

۲. استفتائات آیت الله بهجت ج ۳ ص ۲۳۵

۳. پاسخ استفتاء از آیت الله خامنه ای: تقلب حرام است، ولی اگر تخصص و مهارت لازم را برای کاری که برای آن استخدام شده دارد و مقررات استخدام رعایت شده، استخدام و دریافت حقوق اشکال ندارد.

باشد که تخصص کافی نداشته باشد و نتواند وظیفه محول شده را به درستی انجام دهد گرفتن دستمزدش دارای اشکال است. برخی از فقها آثار تقلب را فراگیرتر می‌دانند و استفاده از مزایایی که با تقلب به دست می‌آید را جایز نمی‌دانند.

۴.۶.۲ ارزش راستگویی در کسب و کار

دروغ، هم زیانهای اجتماعی دارد و هم زیانهای اقتصادی؛ شخصیت و ارزش تجار در بازار، بر پایه اعتبار استوار است، نه ثروت. در مقابل رواج دروغ در کسب و کار استقامت بر صدق و راستگویی در کسب و کار بسیار ارزشمند است. در کتاب کنز العمال روایاتی درباره آثار راستگویی در کسب آمده که نشان دهنده اجر بالای آن است:

- اول من یدخل الجنة التاجر الصدوق.

یعنی اول کسی که وارد بهشت می‌گردد، کاسب راستگو است.

- التاجر الصدوق بمنزلة الشهيد يوم القيامة.

یعنی تاجر راستگو در روز قیامت، در ردیف شهدا خواهد بود.

۴.۷ احتکار

احتکار به این معناست که کسی جنس مورد نیاز و ضروری مردم را نگه دارد تا گران شود. احتکار، به لحاظ اختلالی که در نظام اجتماعی ایجاد می‌کند ناشایست است. احتکار اکل مال به باطل و اکتساب به ناحق است. از آنجا که روایات به صورت های مختلفی بیان شده، لذا بین علمای شیعه نیز برداشتهای متفاوتی است. بعضی از فقهای قدیمی احتکار را به دلیل روایاتی که نقل شده مخصوص مواد غذایی دانسته‌اند. اما بعضی از فقهاء جدیدتر گفته‌اند که احتکار، به مفهوم اعم آن، اختصاص به مواد غذایی نیست، بلکه هر نوع محصولی که کمبود آن مردم را تحت فشار قرار دهد، در بر می‌گیرد. روشن است که اهمیت احتکار دارو، پوشاک و مسکن در شرایطی که مردم به آنها نیازمندند کمتر از احتکار خوراک نیست.

۱. پاسخ استفتاء از آیت الله تبریزی: تقلب دروغ عملی است و جایز نیست و اگر کسی این کار را کرد و متصدی کاری شد که خبرویت نمی‌خواهد و مانند دیگران کار کرد، مانعی ندارد و در صورتی که آن کار خبرویت می‌خواهد و شخص مذکور خبرویت آن را ندارد، تصدی آن جایز نیست. (سایت اسلام کوئیس):

<http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa1411>

۲. سؤال: اگر دانش آموز یا دانشجویی در امتحانات با تقلب نمره ی قبولی کسب کند و به مرحله ی بالاتر برود و از مزایای آن استفاده کند، حکم استفاده از این مزایا چیست؟ پاسخ آیت الله فاضل: مشکل است، شرعاً نمی‌تواند از این مزایا استفاده کند. پاسخ آیت الله بهجت: باید جبران کند آن درس را. (سایت اسلام کوئیس):

<http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa1411> آیت الله وحید نیز استفاده از مزایای نهادی که با تقلب

وارد آن شده است را جایز نمی‌دانند. (رساله دانشجویی، ص ۳۰۳)

امام باقر (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل فرموده اند: هر شخصی، خوراکی خریداری و آن را تا چهل روز حبس نموده و به مسلمانان، به قیمت گران عرضه کند، بدانند که پس از فروش اگر قیمت آن را صدقه دهد، کفاره آنچه انجام داده، نخواهد شد**وسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۴***.

همچنین رسول خدا (ص) فرمود جبرئیل به من خبر داد که به دوزخ نظری کردم و دیدم دره ای در آن میان می جوشد. پرسیدم ای مالک دوزخ این دره جایگاه چه کسانی است؟ گفت از آن سه گروه است: محتکرین، دائم الخمر و آنانکه واسطه برای زن و مرد اجنبی جهت کار نامشروع هستند**وسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۴***.

۴.۷.۱ حکومت اسلامی و احتکار

احتکار از مسائلی است که مستقیماً با مصالح جامعه مسلمین مربوط است و جلوگیری از آن از وظایف حکومت اسلامی است و کسی که در این منصب قرار گرفته، موظف است از احتکار جلوگیری کند و افراد محتکر را تحت تعقیب قانونی قرار دهد و به مجازات رساند. چنانکه در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر آمده است: بازرگانان در عین آنکه نقش اساسی در تأمین ارزاق و نیازمندیهای جامعه دارند و باید احترام آنان محفوظ باشد، ولی نباید غافل بود که گاهی حرص و آز، آنان را به احتکار و ایجاد بازار سیاه وادار می کند. لذا همواره آنان را از احتکار منع کن. و اگر پس از ممنوع کردن اقدام به احتکار نمودند، آنها را مجازات نما.

احتکار در قوانین ایران چنین تعریف شده است: « ماده ۶۰ قانون نظام صنفی - احتکار: عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مراجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سایر مراجع قانونی ذیربط.»

بنابراین از آنجا که جلوگیری از احتکار وظیفه دولت است، تعیین اجناسی که شامل احتکار می شود، یعنی کالاهایی که مورد نیاز جامعه است و بازار سیاه آن موجب آشفتگی زندگی مردم می گردد، منوط به تشخیص دولت است.

^۱ «قانون نظام صنفی که در سال ۹۲ اصلاح شده درخصوص مجازات محتکران پیش بینی شده است که در مرتبه نخست الزام محتکر به عرضه و فروش کالا و جریمه نقدی معادل ۷۰ درصد ارزش کالا. برای بار دوم الزام محتکر به عرضه فروش کالا و جریمه نقدی معادل سه برابر قیمت روز کالا و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب و تعطیلی محل کسب به مدت یک ماه. برای بار سوم الزام محتکر به عرضه و فروش کالا و جریمه نقدی معادل ۷ برابر قیمت روز و نصب پارچه یا پلاکارد در محل کسب و تعطیلی آن به مدت ۳ ماه. اگر دقت کرده باشید، در این دو قانون به جریمه نقدی و مجازاتهای شغلی و حرفه‌ای و انتظامی و بیشتر پرداخته شده است. چون اگر محل کسی به مدت یک یا چند ماه تعطیل شود جزو مجازاتهای انتظامی انضباطی حرفه‌ای و شغلی در این حوزه معنا پیدا می کند؛ چرا که می تواند تبعاتی از جمله از دست دادن مشتری و بدنام شدن در میان جامعه و کسبه است. از این رو این قانون زیاد به دنبال مجازاتهای سخت نرفته است و فکر می کرد با اعمال مجازاتهای صنفی و نقدی می تواند مانع از گرانفروشی شود.

۴.۷.۲ امام صادق (ع) و قحطی در مدینه

در عصر امام صادق (ع)، نرخ گندم و نان در مدینه هر روز بالا می رفت و نگرانی و وحشت بر مردم مستولی شده بود. آن کس که آذوقه سال را تهیه نکرده بود، در تلاش تهیه آن بود؛ و آن کس که تهیه کرده بود، مواظب بود تا آن را حفظ کند. در این میان مردمی هم بودند که به واسطه تنگدستی ناچار بودند روز به روز آذوقه خود را از بازار خریداری کنند.

امام صادق (ع) از وکیل خویش که معتب نام داشت، مخارج خانه خود را پرسید که آیا ما امسال در خانه گندم داریم؟ او جواب داد: بلی، آن هم به قدری که برای چندین ماه کفایت می کند. حضرت فرمود: آنها را به بازار ببر و برای فروش در اختیار مردم بگذار. معتب گفت: گندم در مدینه نایاب است. اگر اینها را بفروشیم دیگر خریدن آن برای ما میسر نخواهد بود. حضرت فرمود: همین که گفتم! همه را در اختیار مردم بگذار و بفروش. سرانجام همین کار شد و نتیجه آن به امام گزارش شد. امام دستور داد بعد از این نان خانه را روز بروز از بازار خریداری کن تا با دیگران در تهیه نان تفاوتی نباشد. سپس دستور داد

درخصوص قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور که بسیار شدید نیز است باید گفت که این قانون مصوب مجلس سوم شورای اسلامی است و ویژگی آن این است که در آن زمان مجلس منصوب به طیف چپ جامعه بود و به همین خاطر تصور بر این بود که درخصوص مسائل اقتصادی برخورد شدیدتری انجام شود.

در این قانون، قانونگذار اذعان کرده است که ارتکاب هر یک از اعمال ذیل جرم است. این در حالی است که در قوانین قبلی احتکار را تخلف صنفی و شغلی محسوب کرده است. از این رو قانونگذار مطابق قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی با این تصور که در اساس افرادی در نظام اقتصادی کشور، در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق و نیازمندی‌های مردم و پیش خرید محصولات کشاورزی و مورد نیاز مردم اخلاک ایجاد می کنند، جرم‌انگاری کرده و اعلام کرده چنانچه این امور انجام شود، نوعی اخلاک در نظام اقتصادی است و مجازاتی که در این خصوص پیش‌بینی شده خیلی شدید است.

براساس ماده ۲ این قانون که چند تبصره نیز دارد، هریک از اعمال مذکور در بندهای ماده یک چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد جرمش در حد افساد فی الارض باشد و مرتکب محکوم به اعدام می شود.

بر اساس این قانون افرادی که احتکار می کنند چه بخواهند به نظام ضربه بزنند یا اینکه بخواهند مقابله کنند یا اینکه قصدش را نداشته باشند فقط بدانند که این کارشان در ضربه زدن به نظام مؤثر است محکوم به اعدام می شوند. دقت داشته باشید در بحث کشف هر جرمی سه رکن یا عنصر داریم. عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی یا روانی. ...

در چنین مواردی قانونگذار اعلام کرده که مجازات این فرد اگر در حد افساد فی الارض باشد، اعدام است. اما اگر قصد ضربه زدن به نظام نداشته باشد به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم می شود و دادگاه در هر دو صورت متهم را به جزای مالی و ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آورده محکوم می کند. همچنین در جایی دیگر می گوید اگر اخلاک در نظام اقتصادی کشور به صورت کلان نباشد، به ۲ تا ۵ سال زندان محکوم می شود. بنابراین در قوانین کشور اگر بخواهیم نقطه اوج مجازات درخصوص احتکار نام ببریم، همان اعدام است.» (کوروش استوار سنگری، روزنامه ایران ۹۷/۱۱/۸)

از این به بعد باید نان ما نیمی از گندم و نیمی از جو باشد تا در پیشگاه الهی مسئله اندازه گیری در زندگی را رعایت کرده باشیم
** وسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۱.**

۴.۸ رشوه^۱

در آیه ای از قرآن آمده است:

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۱۸۸)
و اموال یکدیگر را به ناحق در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به حکام ندهید، در حالی که (گناه این کار را) می‌دانید.

رشوه عبارت است از چیزی که به قاضی داده می‌شود تا وی به نفع او حکم نماید؛ اعم از آنکه حق باشد یا ناحق یا شیوه جدل با طرف مقابل را به او بیاموزد تا بر وی چیره گردد؛ خواه آنچه داده می‌شود از سنخ مال باشد یا عمل، از قبیل دوختن لباس قاضی یا گفتار، همچون ستایش قاضی و یا انجام دادن کاری از کارهای وی، مانند برآوردن نیازی از نیازهای او. آرز مصادیق رشوه اینست که کالایی را که ارزش آن ده هزار تومان است به هزار تومان به قاضی بفروشد.
بر حاکمان عرفی از قبیل استاندار، فرماندار و دیگر کارگزاران حکومتی که به لحاظ قانونی موظف به انجام دادن کارهای محول هستند، گرفتن رشوه حرام است. چنان که دادن رشوه به آنان نیز حرام می‌باشد.^{۵۴}

۱. این بخش از سایت ویکی فقه گرفته شده است به آدرس:

[http://wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B4%D9%88%D9%87_\(%D9%81%D9%82%D9%87\)](http://wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B4%D9%88%D9%87_(%D9%81%D9%82%D9%87))

۲. "تدلوا" از ماده "ادلاء"، در اصل به معنی فرستادن دلو در چاه برای بیرون آوردن آب است و این تعبیر زیبایی است که در مواقعی که انسان تسبیب اسبابی می‌کند که به منظور خاصی نایل گردد به کار می‌رود. (تفسیر نمونه ۵:۲)

۳. عروۃ الوثقی (تکملة)، ج ۳، ص ۲۲-۲۳.

۴. تکملة عروۃ الوثقی ج ۲، ص ۲۴ و کتاب القضاء (گلپایگانی)، ج ۱، ص ۲۴۰.

۵. ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری به این شرح است:

- هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکتهای دولتی یا سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمانهای مزبور می‌باشد، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مامور دیگری در آن

سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می شود.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همتراز مدیر کل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از یک سال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همتراز مدیر کل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس بعلاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق خواهد بود. و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا همتراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس بعلاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا همتراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - مبالغ مذکور از حین تعیین مجازات و یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتا واحده و یا به دفعات واقع شده و جمه مبلغ مأخوذه بالغ بر نصاب مذبور باشد.

تبصره ۲ - در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشا به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد.

تبصره ۳ - مجازات شروع به ارتشا حسب مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد خواهد بود. (در مواردی که در اصل ارتشا انفصال دائم پیش بینی شده است در شروع به ارتشا به جای آن سه سال انفصال تعیین می شود) و در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۴ - هرگاه میزان رشوه بیش از مبلغ دویست هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت، هیچگونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

«قابل توجه این است که زشتی رشوه سبب می‌شود که این هدف شوم در لابلای عبارات و عناوین فریبنده دیگر انجام گیرد و رشوه خوار و رشوه دهنده از نامهایی مانند هدیه، تعارف، حق و حساب، حق الزحمه و انعام استفاده کنند ولی روشن است این تغییر نامها به هیچ وجه تغییری در ماهیت آن نمی‌دهد و در هر صورت پولی که از این طریق گرفته می‌شود حرام و نامشروع است.

در نهج البلاغه در داستان هدیه آوردن "اشعث بن قیس" می‌خوانیم که او برای پیروزی بر طرف دعوی خود در محکمه عدل علی ع متوسل به رشوه شد و شبانه ظرفی پر از حلوی لذیذ به در خانه علی ع آورد و نام آن را هدیه گذاشت علی ع بر آشفت و فرمود:

... آیا با این عنوان آمده‌ای که مرا فریب دهی و از حق باز داری؟ ... به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهای آنها است به من دهند که پوست جوی را از دهان مورچه‌ای به ظلم بگیرم هرگز نخواهم کرد، دنیای شما از برگ جویده‌ای در دهان ملخ برای من کم‌ارزش‌تر است علی را با نعمتهای فانی و لذتهای زودگذر چه کار؟ ...^۱

اسلام رشوه را در هر شکل و قیافه‌ای محکوم کرده است، در تاریخ زندگی پیغمبر اکرم ص می‌خوانیم که: وقتی به او پیغام دادند یکی از فرماندارانش رشوه گرفته او را مؤاخذه کرد. او در پاسخ گفت به من هدیه داده‌اند پیامبر ص فرمود: اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید آیا مردم به شما هدیه‌ای می‌دهند؟ سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد.^۲

اسلام حتی برای اینکه قاضی گرفتار رشوه‌های مخفی و ناپیدا نشود، دستور می‌دهد قاضی نباید شخصا به بازار برود مبادا تخفیف قیمتها بطور ناخودآگاه روی قاضی اثر بگذارد و در قضاوت جانبداری تخفیف دهنده را کند، چه خوب است مسلمانان از کتاب آسمانی خود الهام بگیرند و همه چیز خود را در پای بت رشوه‌خواری قربانی نکنند.

مسئله رشوه در اسلام به قدری مهم است که امام صادق ع در باره آن می‌فرماید: "و اما الرشا فی الحکم فهو الکفر باللّه العظیم"، اما رشوه در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است «۲».

تبصره ۵ - در هر مورد از موارد ارتشا هرگاه راشی قبل از کشف جرم مامورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل میشود. و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرتش را فراهم نماید تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می‌شود و امتیاز نیز لغو می‌گردد.

۱. هبلتک الهبول ا عن دین اللّه اتیتنی لتخدعنی؟ ... و اللّه لو اعطیت الاقالیم السبعه بما تحت افلاکها علی ان اعصی اللّه فی نملۃ اسلبها جلب شعیره ما فعلته و ان دنیاکم عندی لاهون من ورقه فی فم جراده تقضمها ما لعلی و لنعیم یفنی و لذه لا تبقی نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۲. " رأیت لو قعد احدکم فی داره و لم نوله عملا کان الناس یهدونه شیئا؟".

۴.۸.۱ گستره حرمت رشوه

همانطور که گرفتن رشوه بر قاضی و مسئول حرام است همچنین دادن رشوه به آنها نیز حرام است، مگر آنکه رسیدن به حق متوقف بر آن باشد، که در این صورت جایز است، هرچند گرفتن آن بر آنها حرام می باشد. علاوه بر رشوه دهنده و رشوه گیرنده وساطت میان آن دو نیز حرام است. در حدیث معروفی که از رسول خدا نقل شده است که: «لعن الله الراشی و المرثشی و الماشی بینهما»، خداوند گیرنده و دهنده رشوه و آن کس را که واسطه میان آن دو است را لعنت کرده است.^۲ علاوه بر حرمت فعل رشوه دریافت کننده رشوه مالک رشوه نیز نمی شود و واجب است آن را به صاحبش برگرداند و چنانچه تلف شود ضامن مثل یا قیمت آن است؛^۳ همچنین حکمی که در اثر رشوه صادر می شود صحیح نیست و تمام اموالی که در نتیجه آن جابجا می شود به ناحق و غصبی خواهد بود.^۴

۴.۸.۲ موارد حرمت رشوه در غیر از قضاوت

موارد حرمت رشوه در غیر قضاوت که قطعاً حرام است، عبارت-اند از:

- (پورسانت) اگر رشوه برای انجام دادن کار حرام از جمله خیانت در امانت یا از بین بردن حق و یا محرمات دیگری باشد، که در این صورت علاوه بر حرمت خود آن عمل که رشوه برای آن داده می-شود، دادن و گرفتن این رشوه هم محرم دیگری است.

مثل پورسانت: رشوه-ای که وکیلی برای خیانت به موکل خودش می-گیرد؛ مثلاً کسی را وکیل کرده‌اند که جنسی را بخرد. وکیل باید جنس را به قیمت عادلانه‌اش بخرد، درحالی-که به او رشوه می دهند تا جنس را گران-تر از قیمت واقعی-اش بخرد یا مأمور خرید اداره‌ای است و کسی به این مأمور پول می دهد تا در فاکتور، گران-تر از آن مقداری که هست، بنویسد. یا در مناقصه‌ای به عامل فروش رشوه می دهد تا جنس را به او بفروشد. درحالی-که خریداری که به قیمت بیشتر بخرد هم وجود دارد. یا به مأمور مالیات رشوه می دهد تا از مقدار مالیات کم کند و مثلاً به جای ۱۰۰ میلیون، ۵۰ میلیون بنویسد: تمام این موارد رشوه در امر حرام و خیانت در امانت است.

«س ۱۲۵۰: اموالی که بعضی از فروشندگان به مأموران خرید ادارات یا شرکت‌ها بدون آنکه آنها را به قیمت تثبیت شده اضافه کنند، به خاطر برقرار کردن ارتباط می پردازند، نسبت به فروشنده و نسبت به مأمور خرید چه حکمی دارند؟ ج: پرداخت این

۱. از ظاهر کلام برخی فقها، جواز پرداخت رشوه به قاضی جهت رسیدن به حق خود به نظر می رسد، هرچند رسیدن به حق منوط به آن نباشد؛ لیکن گرفتن آن بر قاضی حرام است شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۸۶۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲، ص: ۵-۱۰

۳. مصباح الفقاهة ج ۱، ص ۲۷۴.

۴. تکملة عروه ج ۲ ص ۲۵

اموال توسط فروشنده به مأمور خرید جایز نیست و برای مأمور هم دریافت آنها جایز نیست و آنچه را که دریافت می کند باید به اداره یا شرکتی که مأمور خرید آن است، تسلیم کند.

س ۱۲۵۲: اگر کسی که از طرف اداره یا شرکت، وکیل در خرید ما یحتاج است، کالایی را که در بازار قیمت معینی دارد، به طمع دریافت کمک مالی از فروشنده به قیمت بالاتری بخرد، آیا این خرید صحیح است؟ و آیا جایز است که از فروشنده به علت این کار، کمک دریافت کند؟

ج: اگر کالا را به قیمتی بیشتر از قیمت عادلانه بازار بخرد و یا خریداری و تهیه آن از بازار به قیمت کمتر برای او امکان داشته باشد، اصل عقدی که به قیمت بالاتر منعقد کرده، فضولی است و متوقف بر اجازه مسئول قانونی مربوطه است و به هر حال حق ندارد از فروشنده به خاطر خرید از او، چیزی برای خودش بگیرد.^۱

- رشوه دادن، برای گرفتن حق مسلم دیگری؛ مثلاً کسی که در امتحان کنکور رتبه پایینی آورده، رشوه دهد تا نامش را در بین رتبه‌های برتر بگنجانند که لازمه‌اش این است که یک نفر یک پله از رتبه خود تنزل کند یا از ورود به دانشگاه محروم شود. نفیوت حق او بشود. یا در مسابقه ورزشی به داور رشوه دهند تا برنده را بازنده و بازنده را برنده اعلام کند که این ظلم است. ...

- بذل رشوه و اخذ آن به فساد منتهی شود. چه [مأمور آن] موظف به انجام دادن آن باشد و چه نباشد؛ مثلاً انسان به مأمور حکومتی که وظیفه‌اش ارائه خدمات است، رشوه دهد تا همان خدمات را به او بدهد؛ مثلاً مأموری که موظف است کاری را انجام دهد، برای انجام دادن آن کار، رشوه بگیرد و اگر رشوه نگیرد، آن را انجام نمی‌دهد.^۲

۴.۹ قمار

قمار در فقه به معنی بازی با وسایل مختص به آن همراه با شرط جایزه برای برنده است. در صورتی که هم وسیله بازی، ابزار مخصوص به قمار باشد و هم طرفین بازی جایزه‌ای برای آن قرار داده باشند کار آنها و درآمد حاصل از آن طبق نظر تمام علمای اسلامی حرام است و خرید و فروش ابزار مختص به آن نیز ممنوع است. اگر بازی با ابزار مخصوص قمار باشد اما طرفین شرط جایزه نکنند یا بازی با ابزار مخصوص قمار نباشد اما طرفین شرط جایزه کنند نیز طبق نظر اکثریت قریب به اتفاق علما حرام است.^۳

۱. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۹۸۴

۲. رساله آموزشی ۲ از سایت: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27819>

۳. نظر آیت الله بهجت یکی از نظرات استثنای در این خصوص است: در حرمت مغالبه با آلتی غیر معدّ یا بدون آلات، مثل مصارعه اگر چه با عوض باشد، و در مغالبه با آلات بدون قرار عوض، تأمل است، اظهر عدم حرمت اول، و احوط اجتناب از دوم است. (آیت الله بهجت، جامع المسائل ج ۲ ص ۴۷۶)

بنابراین بازی با ابزاری که عرفاً مختص قمار محسوب می‌شوند حتی اگر شرط بندی اتفاق نیفتد حرام دانسته شده است. نیز شرط بندی بر سر هر مسابقه‌ای مانند فوتبال و غیر آن حرام دانسته شده است. شرط بندی یعنی طرفین مسابقه تعهد کنند هر کس برنده مسابقه شد جایزه مشخصی را ببرد اما اگر شخص سومی خارج از مسابقه جایزه‌ای برای برنده یک مسابقه تعیین کند قمار محسوب نمی‌شود و حرام نیست.

طبق روایات شرط بندی در تیراندازی و اسب‌سواری استثنا شده است.

۴.۹.۱ بخت‌آزمایی

خرید و فروش بلیت‌های بخت‌آزمایی یا لاتاری تحت هر عنوانی که باشد اگر از کل پول شرکت‌کننده‌ها یا بخشی از آن جایزه‌ای تهیه و به طور قرعه به یکی از آنها داده شود، این کار قمار و شرکت و پرداخت و دریافت پول برای آن حرام دانسته شده است. اما اگر شرکت‌کنندگان چیزی برای تهیه جایزه یا به سود برگزارکننده پرداخت نکنند و شخص ثالثی بخواهد به صورت قرعه کشی از بین افرادی که در یک مسابقه شرکت کرده اند به نفر اول یا به صورت قرعه کشی جایزه ای بدهد این کار قمار و حرام محسوب نمی‌شود. مسابقات تلویزیونی اگر بدون اخذ مبلغی از شرکت‌کنندگان انجام شود قمار محسوب نمی‌شود اما اگر از هر شرکت‌کننده بابت ارسال پیامک مبلغی کسر و به حساب حامی مالی آن مسابقه واریز شود این کار شرط بندی و حرام دانسته شده است.^۱

در کارهای عام المنفعه که مثلاً سازمان بهزیستی با فروش اوراقی پولی را برای رسیدگی به امور نیازمندان جمع آوری کند و سپس بخشی از آن را برای تشویق شرکت‌کنندگان به صورت جایزه به شرکت‌کنندگان بدهد فقط در صورتی قمار و شرط بندی محسوب نمی‌شود که نیت شرکت‌کنندگان کمک بلاعوض به این سازمانها بوده و در پرداخت پولشان شرط قرعه کشی و گرفتن جایزه در صورت برنده شدن وجود نداشته باشد و جوایز آن صرفاً برای تشویق باشد ولی ظاهراً آنچه فعلاً جریان دارد به این صورت نیست و بسیاری از مردم به شرط جایزه شرکت می‌کنند و بنابراین جایز نیست.^۲

^۱. استفتاء از دفتر رهبری: س. حکم دریافت جوایزی که به ازای مسابقات پیامکی داده می‌شود چیست؟ ج. اگر در قبال شرکت در قرعه کشی چیزی دریافت نشود و کسر نمودن پول در قبال هزینه پیامک باشد فی نفسه اشکال ندارد ولی اگر مبلغی به جهت شرکت در قرعه کشی کسر می‌شود به نحوی که با پول شرکت‌کنندگان جایزه تهیه و به برنده می‌دهند، صورت شرعی ندارد و همان شرط بندی حرام می‌باشد. سایت دفتر رهبری:

<http://www.leader.ir/fa/content/19598/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%A6%D8%A7%D8%AA-%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF-%D8%A2%D8%A8%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%A7%D9%87>

^۲. قابل توجه است که ممکن است انگیزه افراد برای شرکت در این قرعه کشی‌ها گرفتن جایزه باشد اما مهم اینست جایزه به عنوان شرط در معامله وجود نداشته باشد تا اگر موسسه قرعه کشی نکرد و یا با وجود اینکه نام کسی در قرعه انتخاب شد اما جایزه‌ای به او نداد کسی خود را مستحق آن جایزه نداند و مطالبه آن را نداشته باشد.

^۳. برگرفته شده از پاسخ استفتائی از آیت الله مکارم (استفتائات جدید ج ۲، ص ۲۳۷)

قرعه‌کشی فروشگاه‌ها نیز به همین صورت است. اگر قرعه‌کشی صرفاً جنبه تشویقی داشته باشد و افراد نه برای آن پولی پرداخت کنند و نه شرط قطعی‌ای برای انجام قرعه‌کشی وجود داشته باشد و نه حتی اگر نام کسی در قرعه‌کشی انتخاب شد مطالبه جایزه داشته باشد، در اینصورت این جایزه بلااشکال است.

۴.۹.۲ قرعه‌کشی در حسابهای قرض الحسنه

جوایز بانکها که با قرعه‌کشی به صاحبان حسابهای قرض الحسنه داده می‌شود غیر از بحث شرطبندی از جهت ربا نیز قابل توجه است. اگر صاحب حساب شرط قرعه‌کشی و دریافت جایزه در صورت برنده شدن در قرعه‌کشی داشته باشد، کار او شرط گذاشتن بر قرض خود به موسسه است و مجاز نیست. اما «چنانچه شخصی که پول به بانک می‌گذارد شرط قرعه‌کشی و دادن جایزه نکند بطوری که اگر بانک قرعه‌کشی نکرد یا قرعه‌کشی کرد و با اینکه به اسم شخص در آمد جایزه را به او نداد شخص مزبور، حق مطالبه آن را برای خود قائل نباشد، در این صورت گرفتن جایزه مانعی ندارد و جایزه‌ای که به او تعلق می‌گیرد حکم مجهول المالک دارد، و الله العالم.» (استفتائات جدید، آیت الله شیخ جواد تبریزی، ج ۲ ص ۴۲۸)

۵ حکم متفرقه مربوط به کسب و کار

۵.۱ حقوق معنوی (کپی رایت)

به حقوقی که مربوط به امور اعتباری و معنوی است نه عین خارجی، حقوق معنوی گفته می‌شود؛ مانند حق چاپ و تکثیر کتاب و نرم افزار و فیلم و اثر هنری و حق استفاده از اختراع. در اینکه حق تألیف برای پدید آورنده اثر، حق طبع برای ناشر و حق اختراع برای مخترع از نظر شرع معتبر است یا نه، اختلاف است. بنابر قول نخست، نویسنده می‌تواند دیگران را از چاپ و پخش کتاب خود منع کند. دیگران نیز بدون اجازه صاحب اثر حق ندارند کتاب او را چاپ و توزیع کنند؛ چنان که اگر مؤلف حق نشر را به ناشری واگذار کرده باشد، دیگر ناشران نمی‌توانند بدون اجازه آن ناشر، کتاب را منتشر کنند. و نیز مخترع می‌تواند دیگران را از نمونه برداری از اختراع خود و تکثیر آن منع نماید. بنابر این قول، مؤلف یا مخترع مالک محصول فکر و اندیشه

در این زمینه استفتائی از آیت الله تبریزی نیز همین نظر را تأیید می‌کند: س- نظر جنابعالی در مورد برگه‌هایی که به عنوان کمک به نیازمندان و امور خیریه به فروش می‌رسد و بعداً قرعه‌کشی شده و جوایزی به برندگان آن داده می‌شود مثل برگه‌های ارمغان بهزیستی و ... چیست؟ اخیراً شرکتهایی هم دایر شده است که مبلغی را از فرد می‌گیرند و فرمهای مخصوصی را پر می‌کنند و ... بعد از مدتی جوایزی به شخص می‌دهند مثل شرکت اخلاص یزدان و ... نظر شما در این مورد و شرکت در این نوع مسابقات چیست؟ ج- بسمه تعالی - پرداختن پول برای امور خیریه بدون آنکه خود را طلبکار جایزه و شرکت در قرعه‌کشی بدانند- به اینکه اگر جایزه ندادند با قرعه‌کشی یا قرعه‌کشی نکردند اعتراضی نداشته باشد- مانعی ندارد، و در غیر این صورت شرعاً جایز نیست و بعض موارد ذکر شده شرعاً اشکال دارد و ملحق به قمار است، و الله العالم. (استفتائات جدید، آیت الله شیخ جواد تبریزی، ج ۲ ص ۴۲۷)

خود بوده و می‌تواند آن را بفروشد یا ببخشد و یا در آن سایر تصرفات مالکانه داشته باشد. در مقابل، برخی برای چنین حقوقی از نظر شرعی اعتبار قائل نبوده و چاپ کتاب یا نمونه برداری از اختراع دیگری را بدون اشکال دانسته‌اند. البته تمام مراجع در صورتی که در ضمن معامله نرم افزار، فروشنده (تولید کننده اصلی) عدم تکثیر و کپی آن را شرط کند یا عقد را مبتنی به آن قرار دهد یا قانونی برای منع از تکثیر و انتشار یک محصول معنوی و فکری وجود داشته باشد رعایت شرط و قانون را لازم می‌دانند.^۳

در خصوص نرم‌افزارهایی که مانند ویندوز تولید کشورهای دیگر است بسیاری از مراجع میان نرم افزارهای داخلی و خارجی تفاوتی قائل نیستند اما برخی مانند آیت الله خامنه ای معتقد است اجازه کپی نرم‌افزارهای خارجی تابع قرارداد میان کشورهاست و آیت الله مکارم عدم رعایت حق انتشار را برای نرم افزارهای تولید کشورهای آمریکا و اسرائیل را مجاز می‌داند.^۴

۵.۲ رانت اطلاعاتی

در بحث رشوه گفته شد یکی از انواع رشوه حرام اینست که یکی از طرفین دعوا به قاضی پولی دهد تا اطلاعاتی درباره چگونگی طرح دعوا و ارائه ادله از قاضی دریافت کند. این نشان می‌دهد که رانت اطلاعاتی در قضاوت ممنوع است. اما در خصوص رانت اطلاعاتی در امور دیگر که با ارتباطات خاص با نهادهای حکومتی می‌توان بدان‌ها دست پیدا کرد حکم چیست؟ باید توجه داشت که در زمان فعلی اطلاعات خاص دولتی می‌تواند به شدت ارزش اقتصادی ایجاد کند. بنابراین روشن است که توجه به عدالت و مقابله با ویژه خواری اقتضا می‌کند که هرگونه اطلاعات خاص دولتی که به صورت ویژه و غیرقابل دسترس برای همگان ارائه شود مصداق ظلم است و هرپولی که برای رسیدن به این اطلاعات پرداخت شود حرام است. البته روشن است که تشخیص این موضوع بسیار دشوار است.^۵

۱. المسائل المستحدثة (روحانی) / ۲۲۳-۲۲۴.

۲. تحریر الوسیله ۲/ ۶۲۵-۶۲۶؛ صراط النجاه ۱/ ۲۵۲؛ الفتاوی المیسره (سیستانی)

۳. رساله دانشجویی، ص ۳۸۰

۴. رساله دانشجویی، ص ۳۸۲

۵. این موضوع به طور مجزا در فقه مورد توجه قرار نگرفته است و به بحث در عناوین کلی خیانت، کلاهبرداری و ... واگذار شده است. در استفتائی اینگونه پاسخ داده شده است: «پرسش: در صورتی که فردی با استفاده از رانت اطلاعاتی اقدام به خرید شیئی کند و از این طریق به منفعتی دست یابد

۱- آیا این معامله وجه شرعی دارد؟

۲- آیا این موجب ضمان می‌گردد؟ چه کسی ضامن است؟

۳- با توجه به این که اطلاعات دهنده در انجام این معامله بدین صورت نقش داشته است، آیا چیزی بر عهده او نیست؟

۴- در صورتی که مورد معامله زمین باشد نمازهایی که در آن خوانده شده و یا می‌شود چه حکمی دارد؟

پاسخ: هرگاه خدعه و نیرنگ و کلاه برداری بر آن صدق نکند استفاده کردن از اطلاعات خاص اشکالی ندارد. ولی اگر طرف مغبون شود خیار غبن دارد و اطلاع دهنده در صورتی که قصد تبرع نداشته باشد می‌تواند اجره المثل بگیرد. «استفتاء از آیت الله مکارم از

۵.۳ بازاریابی شبکه‌ای و شرکت های هرمی

۵.۳.۱ شرکت های هرمی

کسب از طریق شرکت های هرمی بدین صورت است که در ابتدا افراد به عنوان حق عضویت پول پرداخت می کنند ولی چیزی دریافت نمی کنند. در اصطلاح به این کار زیان اولیه می گویند یعنی کسی که وارد کار می شود با زیان ۱۰۰ درصد وارد شده است. در قبال این ضرر به آن ها اعلام می شود اگر بتواند زیرمجموعه تشکیل دهد و اعضای جدیدی به مجموعه شرکت بیفزاید آن وقت نه تنها زیان اولیه جبران می شود بلکه به واسطه پورسانتی که به ازای هر عضو جدید دریافت می کند، اگر زیرمجموعه گسترده ای ایجاد کند به سود بسیار زیادی خواهد رسید.

خریداران جدید نیز به همین شکل به جذب مشتری می پردازند و کار به همین صورت به پیش می رود و روز به روز بر تعداد بازاریاب های شرکت اضافه می شود. فعالیت این شرکت ها بقدری ادامه پیدا خواهد کرد که بازار اشباع می شود، در این هنگام همه فروشنده اند و خریداری یافت نخواهد شد و در نتیجه هرم از هم فرو می پاشد و سطوح آخر به سودی نمی رسند. جنسی خریداری کرده اند که غالباً به آن نیازی ندارند، و ساعت ها و روزها وقت صرف کرده اند و در مقابل آن چیزی عایدشان نشده است.

۵.۳.۲ شرکت های بازاریابی شبکه ای

از نظر شرع مقدس هر پولی که رد و بدل می شود یا باید در مقابل کار و عملی باشد که دارای ارزش مادی و قابل احترام باشد و یا در مقابل تحویل کالا و یا خدمات در قالب عقود شرعی و بر اساس دستورات دینی باشد. لذا در فعالیت های شبکه ای هرمی که فقط به دلیل معرفی افراد جدید و اخذ حق عضویت از آنان کسب مال می شود و در ادامه هر قدر اعضای جدیدی به عضویت در آیند به سطوح اول نیز پورسانت تعلق می گیرد چون این پورسانت بدون انجام فعالیت خاصی توسط سطوح اول است و حق عضویت در قبال هیچ خدمت یا کالای خاصی نمی باشد، این نوع کسب مال، «اکل مال به باطل» است و مجاز نمی باشد. علاوه بر این فعالیت شرکت های هرمی پس از اشباع کامل جامعه هدف، تمام سطوح پایین متضرر می شوند چرا که هیچ عضو جدیدی نمیابند تا با افزودن او به مجموعه ضرر اولیه خود را جبران کنند. این یعنی فعالیت شرکت های هرمی باعث فساد اقتصادی جامعه می شود.

اخیراً فعالیت هایی تحت عنوان شرکت های بازاریابی شبکه ای به وجود آمده است که بعضی تفاوت های اساسی ای با شرکت های هرمی دارند؛ از جمله:

سایت: <http://hadana.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85-%D8%AE%D8%B1%DB%8C%D8%AF-%D9%88-%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%81%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B2-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA-%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9/>

۱. در بازاریابی کالا مبادله می‌شود و سود در نتیجه تجارت سالم اتفاق می‌افتد اما در شرکت‌های هرمی سود بر مبنای اخذ حق عضویت از اعضای جدید حاصل می‌شود.
 ۲. در بازاریابی هر قدر کالای بیشتری فروخته شود سود بیشتر به شبکهٔ فروش تعلق می‌گیرد و افزودن اعضا به شبکه در صورتی ارزش دارد که جنس بیشتری توسط آنها فروخته شود اما در شرکت‌های هرمی هر قدر اعضای بیشتری به شبکه افزوده شوند سطوح بالاتر شبکه سود بیشتری دریافت می‌کنند.
 ۳. در شرکت‌های هرمی سطوح بالای هرم تا بینهایت از سود فروش کالاها بهره‌مند می‌شوند اما در شرکت‌های بازاریابی تنها کسانی از سود فروش بهره‌مند می‌شوند که در فروش یا به کارگیری و آموزش بازاریابان نقش داشته باشند.
 ۴. محصول فروخته شده در شرکت‌های بازاریابی مصرفی و مورد نیاز کل جامعه و به قیمت عادی است اما شرکت‌های هرمی اگر محصولی ارائه شود محصولی صوری است که تنها در بین اعضای هرم گردش دارد.
- وزارت صنعت آیین‌نامه‌ای برای نظارت و کنترل شرکت‌های بازاریابی تدوین کرده است و به نوعی فعالیت‌های آنها را تحت نظارت خود درآورده است. شورای نگهبان نیز برخی از بندهای این آیین‌نامه را بررسی و آن را مخالف شرع ندانسته است. بر این اساس آیت الله خامنه‌ای نیز در پاسخ استفتائی دربارهٔ فعالیت شرکت‌های بازاریابی گفته‌اند اگر فعالیت مذکور طبق آیین‌نامه‌ای باشد که شورای نگهبان آن را تایید کرده است اشکالی ندارد.

با این وجود به دلیل اینکه اغلب شرکت‌های بازاریابی شرایط فقهی صحت کسب و کاری که هم مراجع مطرح می‌کنند و به نوعی در آیین نامه وزارت صنعت هم آمده است رعایت نمی‌کنند اکثر فقها کسب و کار از طریق شرکت‌های بازاریابی را مجاز نمی‌دانند مگر اینکه شرایط معامله شرعی در آنها رعایت شود.^۱

۱. بخشی از آیین نامه وزارت صنعت درباره شرکت‌های بازاریابی شبکه ای (مصوب ۹۵) به شرح زیر است:

ماده ۹- در طرح سوددهی باید موارد زیر رعایت شود:

۱- اخذ هرگونه وجه و یا ما به ازاء برای ورود به شرکت بازاریابی شبکه ای ممنوع است.

۲- حداقل میزان خرید ماهیانه بازاریاب برای واجد شرایط شدن دریافت حق کمیسیون^۲ و پاداش تعیین گردد^۳.

۳- پرداخت هرگونه حق کمیسیون و پاداش باید بر پایه فروش محصول شرکت و نه جذب بازاریاب باشد و هرگونه پرداخت ناشی از

فروش ابزارهای جانبی شرکت از جمله کالاهای نمونه فروش، ابزارهای فروش، تبلیغ و آموزش ممنوع است.

۴- پرداخت حق کمیسیون و پاداش با توجه به شرح وظایف بازاریاب^۴ها تا (۳) سطح محدود گردد.

(سطوح پرداخت باتایید وزارت صنعت، معدن و تجارت قابل تعدیل است).

۵- تجمیع حجم فروش بازاریاب و گروه فروش باید به صورت ماهیانه (حداکثر تا هفت روز پس از خاتمه هر ماه) محاسبه شود.

۶- پرداخت حق کمیسیون یا پاداش بازاریابان باید بصورت نقدی و غیر از محصولات شرکت باشد.

ماده ۱۰- شرکت بازاریابی شبکه ای موظف است نسبت به رعایت ضوابط زیر اقدام نماید:

۱- فروش محصولات مصرفی مطابق فهرست ارائه شده و با رعایت ضوابط و قیمت فروش متعارف بازار.

تبصره- شرکت^۲ موظف است قیمت و مجوزهای لازم برای محصولات خود از جمله پروانه بهداشتی و استاندارد را طبق مقررات اخذ

نماید و در هر حال قیمت محصول نباید از قیمت متعارف بازار بالاتر باشد.

۲- انعقاد قرارداد با بازاریابان از طریق وب سایت شرکت و همچنین صدور و ارائه کارت شناسایی عکس دار ممه‌ور به مهر شرکت

مشمول بر نام و نام خانوادگی، نام پدر، کد ملی، کد واحد بازاریابی شبکه ای، شناسه بازاریاب و نام شرکت.

تبصره- اتصال وب سایت شرکت^۲ بازاریابی شبکه ای^۲ به سامانه وزارت صنعت، معدن و تجارت

(به نشانی: unicode.mimt.gov.ir) برای نظارت بر پایگاه داده شرکت الزامی است.

۳- عدم جذب بازاریاب از بین افراد کمتر از هجده سال سن.

۴- ممنوعیت بکارگیری بازاریابان از بین کارکنان شرکت بازاریابی شبکه ای^۲ و دستگاه^۲ها و نهادهای دارای مسئولیت نظارت بر

شرکت^۲های بازاریابی شبکه ای.

۵- برگزاری کلیه جلسات بازاریابان در دفتر و یا شعب شرکت.

۶- برگزاری رایگان دوره آموزشی مشتمل بر آموزش فرآیند و مفاهیم بازاریابی شبکه ای و منشور اخلاقی شرکت با مشارکت

بازاریابان سطوح بالاتر، برای سایر بازاریابان و ارائه محتوای دوره های آموزشی به دبیرخانه کمیته نظارت برای تطبیق با مقررات.

۷- پرهیز از هرگونه اغواگری و تبلیغ خلاف واقع برای جذب بازاریاب و یا درباره محصولات شرکت.

۸- فروش مستقیم محصولات به بازاریاب و منع فروش از طریق بازاریاب به بازاریاب دیگر.

۹- عدم تشویق بازاریابان به خرید محصولات بیش از توان فروش و یا مصرف شخصی.

۱۰- انجام تمامی پرداخت^۲ها در قالب حق کمیسیون و پاداش به بازاریابان مطابق با طرح سوددهی.

۵.۴ استفاده از اموال دولتی و بدهکاری به بیت المال

استفتاء «س ۱۹۵۵: این جانب اقدام به استفاده شخصی از بیت المال کرده‌ام، وظیفه من برای بریء الذمه شدن چیست؟ استفاده شخصی از امکانات بیت المال تا چه حدی برای کارمندان جایز است؟ و در صورتی که با اذن مسئولین مربوطه باشد، چه حکمی دارد؟

ج: استفاده کارمندان از امکانات بیت المال در ساعات رسمی کار به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و نیاز است و شرایط کاری بیانگر اذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و همچنین استفاده از امکانات بیت المال با اذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است. در نتیجه اگر تصرفات شخصی شما در بیت المال به یکی از دو صورت مذکور باشد، چیزی در این رابطه به عهده شما نیست، ولی اگر از اموال بیت المال استفاده غیر متعارف کرده باشید و یا بدون اذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده نمایید، ضامن آن هستید و باید عین آن را اگر موجود باشد

۱۱- میزان فروش ماهیانه محصولات به بازاریابان برای واجد شرایط شدن دریافت حق کمیسیون و پاداش، باید در صورت انبار شدن کالا نزد بازاریاب قابل تعدیل باشد.

۱۲- پرداخت حق کمیسیون بازاریابان صرفاً براساس فروش محصولات و درازای مشارکت جمعی سطوح بالاتر در جذب و آموزش بازاریابان جدید، نه عضوگیری.

۱۳- انجام تمامی تراکنش‌های مالی (از قبیل خرید، فروش و پرداخت حق کمیسیون و پاداش) از طریق سیستم بانکی کشور به نام شرکت.

۱۴- ارائه کلیه اطلاعات مربوط به عملیات بازاریاب^۳ نظیر میزان فروش شخصی و میزان فروش گروهی به صورت ماهیانه به وی. تبصره- شرکت موظف است کلیه اطلاعات مربوط به عملیات بازاریاب^۳ها و سوابق پرداخت^۳ها را برابر مقررات مستندسازی کند.

۱۵- ایجاد درگاهی برای رسیدگی به شکایات و نارضایتی^۳ها با قابلیت ثبت در پایگاه داده‌های شرکت و ارائه کد رهگیری و پاسخگویی به شکایات (حداکثر به مدت ده روز).

۱۶- باز پس گرفتن محصولات فروخته شده که قابل فروش مجدد است مطابق شرایط قرارداد فی مابین شرکت و بازاریاب. اصل آیین نامه در سایت وزارت کار به این آدرس قابل دسترسی است:

https://www.mcls.gov.ir/icm_content/media/image/2017/07/132319_orig.pdf

۱. جزئیات نظر مراجع تقلید درباره شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای را می‌توان در این آدرس دید:

<https://tyb.ir/%D9%86%D8%B8%D8%B1-%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AC%D8%B9-%D8%B9%D8%B8%D8%A7%D9%85-%D8%AA%D9%82%D9%84%DB%8C%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D8%A8%DB%8C/>

به بیت المال برگردانید و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهید و همچنین باید اجرت المثل استفاده از آن را هم در صورتی که اجرت داشته باشد به بیت المال پردازید.^۱

۱. توضیح المسائل (معشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۹۸۶